

بحرین (سرزمین مروارید) (۲)

ع. ر. امیردهی

چکیده

در بخش اول این نوشتار از موقعیت جغرافیایی و پیشینه تاریخی و اهمیت استراتژیک بحرین نکاتی ذکر شد و اینک ادامه مباحث با عناوین زیر تقدیم می‌شود:

ادیان و مذاهب در بحرین، حوزه‌های دینی و میزان پای‌بندی مردم به مذهب، سیر تحولات فرهنگی، تأثیر و تأثر فرهنگ، روابط مردم در زندگی خانوادگی و اجتماعی، وضعیت زنان در جامعه، سطح علمی و فرهنگ جامعه بحرینی، آثار مهم فرهنگی و تاریخی، مؤسسات فرهنگی خارجی و فعالیت آنها، رسانه‌های گروهی شامل مطبوعات، صدا و سیما، خبرگزاری‌ها و میزان کنترل دولت بر رسانه‌های گروهی.

در ادامه به موضوع بحرین در سه دهه اخیر پرداخته شده است، از روی کار آمدن شیخ عیسی بن سلیمان تا تغییرات در ساختار حکومتی، قوای سه‌گانه و چگونگی شکل‌گیری اراده سیاسی.

پس از آن، احزاب و گروه‌های سیاسی معارض معرفی شده‌اند و در نهایت، مسئله روابط با کشورهای دیگر به ویژه روابط بحرین با ایران قبل از انقلاب و پس از تشکیل جمهوری اسلامی ایران گزارش گردیده است.

واژگان کلیدی: بحرین، جمهوری اسلامی ایران، روابط خارجی، احزاب و گروه‌ها، قوای سه‌گانه در

بحرین، ادیان و مذاهب، زنان، آثار فرهنگی تاریخی.

ادیان و مذاهب در بحرین

بیشتر مردم کشورهای منطقه خلیج فارس مسلمان و دین آنان اسلام است. از همین رو، اسلام دین رسمی کشور بحرین است. طبق آمار دهه گذشته، در میان جمعیت مسلمان آن، ۷۵٪ شیعه و ۲۵٪ اهل تسنن می‌باشند.^۱ خاندان سلطنت نیز سنی هستند. پیروان سایر ادیان به ترتیب مسیحی،

1 - The world factbook 2000.

البته بر اساس آخرین آمار در سال ۲۰۱۱م، جمعیت بحرین در سال ۲۰۱۰ میلادی ۱۲۱۴۷۰۵ نفر گزارش شده است که از این میان تعداد ۲۳۵۱۰۸ نفر غیربحرینی می‌باشند. ۹۸٪ از جمعیت بحرین مسلمان (که شامل ۷۰٪ شیعه و ۳۰٪ سنی مذهب) می‌باشند؛ ر.ک: <http://www.state.gov/t/pa/ei/bgn/26414.htm>

یهودی، بودایی و هندو می‌باشند که از این میان ۷/۳٪ مسیحی بوده و ۷/۷٪ را پیروان سایر ادیان تشکیل می‌دهند. (Britannica book of year, 1995. P559) جمعیت غیرمسلمان بحرین، بیشتر شامل مهاجران می‌شود. اغلب مهاجران کشورهای جنوب شرق آسیا و هندوها پیرو آیین بودا و مهاجرین کشورهای اروپایی و آمریکایی پیروان دین مسیحیت هستند. نفوذ مذهب شیعه در بحرین ریشه‌دار است و تشیع از دیرباز در این خطه وجود داشته است. حتی گفته می‌شود در زمان سلطه پرتغالی‌ها (قرن شانزدهم) مردم این کشور شیعه متعصب بوده‌اند. کثرت جمعیت شیعه در بحرین نتیجه سکونت و مهاجرت در دهه‌های گذشته نیست بلکه علاوه بر پیشینه شیعی بودن از صدها سال قبل، روزگاران بحرین محل توجه و رفت‌وآمد ایرانیان و نیز شیعیان ساکن در جنوب و شرق حجاز، مثل الأحساء و القطیف و... بوده است.

حوزه‌های دینی و میزان پای‌بندی مردم به مذهب

مهم‌ترین مراکز دینی و حوزه‌های علمیه در مناطق جد، حفص و ستره قرار دارد که بیشتر به تدریس و ترویج فقه جعفری می‌پردازند. اوج فعالیت مساجد و حسینیه‌ها در ایام سوگواری عاشورا است که مراسم عزاداری و سینه‌زنی برپاست. مراکز و حوزه‌هایی که مذهب تسنن در آنها تدریس می‌شود، بیشتر مؤسسات دولتی است که تحت نظر اداره اوقاف فعالیت می‌کنند و مهم‌ترین آنها «دارالاصلاح» در منطقه محرق است که توسط عربستان ایجاد شده است. هم‌چنین در دانشگاه الخلیج رشته‌هایی ویژه تدریس فقه سنی وجود دارد. مسیحیان در بحرین دارای مکان‌های عبادت و کلیسا می‌باشند ولی سایر ادیان فاقد مراکز آموزشی و مذهبی جهت گسترش آئین خود هستند.

کلیساهایی که در بحرین وجود دارد عبارت است از: کلیسای کریستوفر در شهر منامه، جامعه کلیسا در شهر العوالی، کلیسای خدای سه‌گانه که توسط کشیش نیروی دریایی آمریکا اداره می‌شود، کلیسای ملی پروتستان در منامه، کلیسای کاتولیک‌ها، کلیسای روزپاک و کلیساهای ارتدوکس سوری. افرادی که به این کلیساهای می‌روند شامل مهاجرین خارجی می‌شوند. اسقف حیطه قبرس و خلیج فارس در جزیره قبرس ساکن است و معاون اسقف حیطه خلیج فارس در امارات متحده عربی سکنی دارد. در مورد یهودیت باید گفت: جامعه کوچک یهودیان بحرین هنوز به آن اندازه که بتواند کیسه‌ای را تحت پوشش قرار دهد، وسعت نیافته است. (سیف افجه‌ای، ۱۳۸۱، ص ۲۵ و ۲۶).

سیر تحولات فرهنگی

به دلیل ساختار فرهنگی بحرین و قومیت‌های ساکن در آن منطقه و وجود گردشگران عرب و غیرعرب، و نیز به خاطر صید مروارید و صدور آن به دیگر کشورها، روابط مردم بحرین با جهان خارج همواره در حال افزایش بوده است.

فرهنگ بحرین آخرین سلسله از تمدن هزار سال اخیر است. این کشور به دور از محیطی قدیمی، می‌تواند ادعا کند که در میان کشورهای کوچک آسیای غربی، بسیار توسعه یافته است. بحرین در مدت زمان کوتاهی، تمام خصوصیات یک کشور مدرن را به خود گرفته است و تغییرات عمده در زندگی اجتماعی و خانوادگی در شهرهای بزرگ در آن مشهود است. اگرچه فشارها و مشکلات اجتماعی ناشی از تغییر سریع بسیار زیاد است، ولی بحرین با دیگر کشورهای در حال توسعه برابری می‌کند. این کشور با رشد سریع زندگی شهری روبه‌رو بوده و میزان مولید خود را کاهش داده است و در حال ساختن زیربنایی برای حمایت از صنایع رو به رشد خود و هم‌چنین ارائه راه‌حلی جهت بهبود آموزش و پرورش و مواظبت‌های بهداشتی است.

علاوه بر حضور برخی از شرکت‌ها و تجار غربی و رفت‌وآمدهای پی‌درپی غربیان، محیط اجتماعی بحرین، موقعیت را برای یک زندگی غربی در منطقه خلیج فارس فراهم کرده است، ولی گرمای شدید هوا در تابستان و افزایش روز به روز قیمت‌ها از اقامت درازمدت غربیان در این کشور می‌کاهد، گرچه از سوی دیگر، امکانات سرمایه‌یابی به وجود آمده در دهه اخیر بخشی از این مشکلات را حل کرده است.

ایجاد مؤسسات و سازمان‌هایی که از منابع مالی بزرگ تغذیه شده و از مدیریت بالایی برخوردارند، امکان انجام امور جدید و مختلف را به وجود آورده و این امر با سفرهای مکرر کارشناسان به اروپا تسهیل یافته است.

در مقایسه با برخی از کشورهای منطقه، به ویژه کشورهای کم جمعیت، امروز آموزش در بحرین از سطح بالایی برخوردار است و مردم این کشور به رغم کسب الگوهای غربی در روش کار و زندگی خود، هم‌چنان سعی در حفظ فرهنگ اصلی خود دارند، به طوری که می‌توان گفت مردم در اجرای فرهنگ و آداب خود نسبت به سایر رسوم غربی و شرقی کوشا تر می‌باشند.

تأثیر و تأثر فرهنگ‌ها

بدهی است ارتباطات ملت‌ها با یک‌دیگر تأثیر و تأثر فرهنگی را به دنبال دارد و هر کشوری که مهاجرپذیرتر باشد، تحولات فرهنگی و اجتماعی در آن بیشتر است.

از آن‌جا که بحرین سال‌ها جزء خاک ایران محسوب می‌شده، فرهنگ و زبان فارسی در این کشور مشاهده می‌شود. از سویی نیز به دلیل نفوذ انگلستان در این کشور، زبان انگلیسی رایج بوده و اتباع انگلیس و سایر اتباع خارجی که حدود یک‌سوم جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند، فرهنگ و طرز لباس پوشیدن خود را معمول ساخته‌اند، هرچند که مردم بحرین در حفظ سنن و آداب و رسوم خود کوشا بوده‌اند.

از طرفی نیز به علت موقعیت مناسب بحرین از نظر جهانگردی و وجود هتل‌ها و وسایل سرگرمی و تفریح و آزادی فراوان در رفت‌وآمد و مبادله و معامله، تسهیلات فراوان در اعطای روادید و تشریفات گمرکی، عوامل مساعدی برای سفر خارجیان به این کشور محسوب می‌شود که بر فرهنگ مردم بحرین بی‌تأثیر نبوده است. اینک علاوه بر آداب و رسوم خاص عربی و برخی از قبائل عرب که در بحرین رواج دارد، بعضی از تأثیرات به ویژه در موضوع ساخت‌وسازهای ساختمانی، به کارگیری اصطلاحات اجنبی و... را در این کشور شاهد هستیم.

تغییرات در زندگی خانوادگی

آمارها از آن حکایت دارد که بیش از ۸۸٪ مردم در شهرها زندگی می‌کنند. (Britannica book of the year 1995. P559). فرهنگ شهرنشینی موجب تغییرات در زندگی خانوادگی شده است، به ویژه آن‌که حدود یک‌سوم جمعیت بحرین را اتباع خارجی اعم از هندی، پاکستانی، انگلیسی، آمریکایی، مصری، کره‌ای و عمانی تشکیل می‌دهند که بیشتر در شهرهای منامه و محرق متمرکزند. تحولات شهری و محیطی دگرگونی‌هایی در مردم به وجود می‌آورد، زیرا مدرنیته شدن، وضعیت جدیدی را مطرح می‌کند و تغییر زندگی روستایی به شهری با یک سری انطباقات پیچیده با محیط همراه است. معمولاً مهاجرت یک یا چند تن از فرزندان به شهر، به‌ویژه پسرها برای تحصیل، به منظور تأمین منبع درآمد بهتری برای خانواده است. از جمله تغییرات اساسی رفتاری و ارتباطی در بین جامعه بحرین، تغییر نقش زن در جامعه است. اجازه ورود زنان به بازار کار و ایجاد رابطه مثبت بین میزان تحصیلات و استخدام آنان کاملاً مشهود است. فعالیت زنان در بازار کار همراه با تحصیلات عمومی و برنامه‌های خانوادگی سبب کاهش میزان تولید نسل نیز شده است.

تغییر دیگر مربوط به تعداد افراد خانواده و شکل مسکن آنهاست. در بحرین این تغییرات بیشتر با درآمد مرتبط است تا عوامل اجتماعی. میزان تحصیلات و درآمد یک خانواده با تعداد افرادی که در آن خانواده زندگی می‌کنند، نسبت معکوس دارد؛ به این معنا که هر چه میزان تحصیلات و درآمد بالاتر باشد، تعداد افراد خانواده کمتر است. البته برنامه مسکن دولت با این هدف که هر خانواده یک

خانه داشته باشد، بر سرعت این تغییرات می‌افزاید. تغییرات رفتاری، در میان نسل ثروت‌مند بحرین مشهودتر است. مردان بحرینی که متأثر از مدرنیته شدن هستند، ارزش‌ها و اعتقادات «مدرن» را پذیرفته‌اند. آنان به زنان اجازه برقراری ارتباط متقابل مستقل‌تری را با جهان خارج می‌دهند. (سیف افجه‌ای، پیشین، ص ۳۰ و ۳۱).

روابط عاطفی و روانی مردم با یکدیگر

یکی از ویژگی‌های مهم اجتماعی در بحرین حضور دو نژاد ایرانی و عرب با دو مذهب شیعه و سنی است. اما با وجود افتراق موجود، این دو نژاد در طول زمان نسبتاً طولانی در کنار هم زیسته‌اند. تماس‌های طولانی آنان باعث به وجود آمدن تشابهات بسیاری در بین آنها شده است. البته در دهه اخیر به ویژه بعد از بروز بیداری اسلامی در منطقه، از جمله بحرین، دشمنان اسلام در صدد برآمدن که با ایجاد تفرقه و اختلاف، هم‌بستگی و هم‌زیستی مسلمانان را تضعیف کنند. انتظار می‌رود که همه مسلمانان با تمسک به اصول اخلاق اسلامی با صفا و صمیمیت در کنار یکدیگر زندگی کنند.

وضعیت زنان در جامعه

رسالت زنان در تربیت بچه و اداره محیط خانواده و استحکام بخشی به زندگی خانوادگی انتظار به‌جایی است که نمی‌توان به بهانه‌های گوناگون آن را نادیده گرفت. زنان بحرین در سنت عربی - اسلامی، با زنان منطقه خلیج فارس سهیم هستند ولی نسبت به آنان از آزادی بیشتری برخوردارند. زنان در بحرین به طور کلی در دو گروه متفاوت در جامعه ظاهر می‌شوند؛ نخست آنهایی که هم‌چنان به حفظ شئون مذهبی خویش پای‌بند بوده و طبق سنت‌های اسلامی رفتار می‌کنند و گروه دوم زنانی که کاملاً غربی شده و با لباس‌های غربی و حرکات و رفتار منبعث از آن و بدون رعایت حجاب در جامعه حضور پیدا می‌کنند. در تمام کشورهای عرب مشرق زمین، زنانی که در کشور خدمات اجتماعی را به عهده دارند، از زنان ممتاز هستند که داوطلبانه این کار را به عهده می‌گیرند. اولین انجمن زنان در بحرین نیز توسط زنان ممتازی که داوطلب خدمات اجتماعی برای فقرا بودند، شکل گرفت. آنان در اجتماعات ثروت‌مندان و تحصیل‌کردگان خدمت می‌کردند. هم‌چنین زنان ممتاز بحرین که خدمات رفاهی را فراهم می‌کنند، در ارتباط نزدیک با خانواده‌های حکومتی و اشرافی هستند.

هم‌اکنون پنج انجمن مخصوص زنان در بحرین وجود دارد:

- انجمن حمایت مادران و کودکان؛

- نهضت فتاة البحرين؛

- جمعية اوال النسائية؛

- انجمن بین‌المللی زنان؛

- شورای عالی زنان، که در سال ۲۰۰۱ توسط همسر شاه بحرین تشکیل شد.

موقعیت زنان روستایی در بحرین، بر خلاف تصور غلطی که در مورد زنان فقیر و روستایی در کشورهای عربی مشرق زمین وجود دارد، متفاوت است. زنان روستایی و طبقه پایین مناطق روستایی از جهاتی از زنان طبقه متوسط و بالای مناطق شهری آزادترند، زیرا طبق شواهدی، رسم صورت پوشاندن، ابتدا در بین زنان طبقه بالا معمول شد. به علاوه، کار زنان در مزرعه توسط مافوق غریبه اجرت داده نمی‌شود. بنابراین ایده کارکردن زنان در جامعه مبنی بر این که زیر دست مرد غریبه نباشد، در این مورد رعایت شده است. طبق نمونه‌ها و آمار استخدام زنان بحرینی، تنها ۲۰٪ از زنان (طبق سرشماری انجام شده در سال ۱۹۹۴) شاغل هستند، ولی این امر در مورد تحصیلات آنان صادق نیست. هنگامی که کشور اصلاحات را تشویق کرده و امکان تحصیلات را برای زنان فراهم می‌سازد، داده‌های آماری نشان‌دهنده هجوم زنان برای تحصیل می‌باشد. داده‌های روستایی شیعه در بحرین آشکارا این حقیقت را نشان می‌دهد که حتی در مناطق روستایی، دیدگاه منفی در مورد تحصیل زن وجود ندارد بلکه این امر بیشتر مربوط به نوع تحصیل و ارتباط آن با زندگی‌شان می‌شود. در روستاها دختران در جلسات قرآن شرکت کرده، خواندن عربی و صحیح خواندن قرآن را می‌آموزند. معلمین دهکده نیز همیشه زنان هستند.

نخستین مدرسه ابتدایی دخترانه در سال ۱۹۲۸ در بحرین تأسیس شد و این اولین گام برای آزادی و فعالیت زنان به شمار می‌آمد. اولین مدرسه متوسطه دختران نیز در ۱۹۵۱ در این کشور گشایش یافت و نخستین دبیرستان دخترانه در اواخر نیمه دوم دهه ۱۹۶۰ تأسیس شد. در دهه پنجاه میلادی، عده‌ای از دختران جوان برای ادامه تحصیل به بیروت عزیمت کردند و هم‌اکنون در قشرهای مختلف اجتماع به عنوان آموزگار و پرستار به خدمت اشتغال دارند. ورود زنان به مدارس خصوصی، از سال ۱۹۷۱-۱۹۷۰ شروع شد و تا سال ۱۹۷۶ مرتب بر تعداد آنان افزوده شد. بر اساس نمونه‌ها و داده‌های آماری، مشاهده می‌شود که اکنون مشکلی در ادامه تحصیل زنان وجود ندارد و تحصیل و کار زنان بحرین، به موازات هم صورت می‌گیرد؛ یعنی هرچه سطح تحصیلات بالاتر باشد، سطح کار نیز افزایش می‌یابد. در بحرین زنان بیشتر مایل‌اند در مشاغل تدریس، پرستاری و زمینه‌های حرفه‌ای و فنی تمرکز یابند و در کارهای دفتری و خدماتی، شرکت ندارند.

در مورد انتخابات شوراهای محلی و انتخابات مجلس باید گفت، قانون اساسی بحرین ممانعتی برای رأی دادن زنان ایجاد نمی‌کند.

روند سیاست خارجی بحرین از آغاز زمامداری امیر جدید، شیخ حمد بن عیسی (اسفند ۱۳۷۷) به سرعت به سوی فضای باز و ایجاد دموکراسی و آزادی زنان پیش می‌رود. شرکت زنان بحرینی در بازی‌های المپیک، برگزاری انتخاب شوراهای شهر و مشارکت زنان در این انتخابات، نشانه‌هایی از تغییر سیاست‌های داخلی و خارجی بحرین است.

در خصوص تقویت نقش زنان در جامعه، امیر بحرین برای نخستین بار یک سفیر زن را از سوی این کشور در پاریس منصوب نمود. به علاوه چهار زن برای اولین بار وارد مجلس شورای بحرین شدند و یک زن به عنوان عضو اتاق بازرگانی و صنایع بحرین انتخاب گردید. (سیف افجه‌ای، بحرین، ص ۴۰-۴۲).

سطح علمی و فرهنگی جامعه

یکی از شاخص‌های پیشرفت در هر جامعه، بالا بودن سطح علمی و آموزشی کشور است. آموزش‌های علمی می‌تواند حرف اول را در افزایش سطوح فرهنگی بزند. از این رو، آموزش و پرورش همواره خشت اول در این عرصه به شمار می‌رفته است. اینک سطح علمی و فرهنگی جامعه بحرین را با نگاهی به پیشینه و وضعیت آموزش و پرورش در این منطقه ملاحظه می‌کنیم.

آموزش و پرورش در بحرین پیشینه‌ای نسبتاً کهن دارد. هنگامی که در دوران صفویان، بحرین جزء قلمرو ایران بود، همانند نقاط دیگر کشور، از پیشرفت‌های فرهنگی برخوردار شد و به صورت یکی از مهم‌ترین مراکز علمی - شیعی در منطقه درآمد. این وضع بحرین تا آن اندازه اهمیت داشت که برخی از روحانیون از ایران برای کسب علوم فقهی شیعی به بحرین می‌رفتند. ایرانیان بحرین از همان آغاز تأسیس مدارس نوین به کار توسعه آموزش نوین دست زدند.

در اوایل قرن بیستم، فارسی‌زبانان بحرین چند دبستان، از جمله دبستان احمدیه و دبستان اتحاد ملی، را تأسیس کردند. این مراکز آموزشی، نخست از سوی انجمن سعادت در بوشهر اداره می‌شد و آموزگاران از بوشهر به بحرین اعزام می‌شدند. (مجتهدزاده، ۱۳۷۴).

پس از گذشت سال‌ها، به یاری عوامل استعماری انگلستان در بحرین، چند دبستان عربی در این کشور تأسیس شد و آموزگاران را از کشورهای عربی مانند عراق و مصر استخدام نمودند. این گام‌ها هنگامی در بحرین برداشته می‌شد که از آموزش و پرورش در سراسر کرانه‌های جنوبی خلیج فارس خبری نبود.

دیری نگذشت که بحرین به صورت مرکز مهمی از آموزش و پرورش در خلیج فارس در آمد. اثر روانی این پیشرفت آموزشی تا آن اندازه برای جامعه بحرین مهم بوده است که نه تنها مردم این سرزمین خود را از اعراب دیگر جوامع کرانه‌های جنوبی خلیج فارس پیشرفته‌تر می‌دیدند، بلکه حتی هیئت حاکمه بحرین، کشور خود را (در سال ۱۹۷۱) پیشرفته‌تر از آن می‌دید که در سطحی برابر با دیگر شیخ‌نشین‌های خلیج فارس در طرح انگلیسی تشکیل فدراسیون امارات عربی خلیج فارس شرکت کند. (پیشین).

اکنون نیز دولت مبالغ زیادی را به ساختن مدارس اختصاص داده است. بحرین در توسعه برنامه‌های جدید و آموزشی، از دیگر کشورهای عربی و از سازمان یونسکو کمک می‌گیرد و با تأسیس دو مرکز تربیت معلم، تأکید بیشتری بر تربیت معلم می‌نماید. هم‌چنین پلی تکنیک بحرین از نظر علمی گسترش داده شده است و به خصوص به بخش مدیریت و مهندسی آن توجه شده است. کالج دانشگاهی جدیدی نیز برای رشته‌های علوم انسانی و علوم تعلیم و تربیت، برای اولین بار به ارائه مدرک لیسانس اقدام نموده است.

در حال حاضر اغلب بحرینی‌ها برای تحصیلات عالی راهی کشورهای خارج می‌شوند و از جمله در دانشگاه آمریکاییان در بیروت، انگلیس، مصر و یا در آمریکا به ادامه تحصیل می‌پردازند. امروزه بسیاری از آنان زبان انگلیسی را به راحتی صحبت می‌کنند و این امر از آن‌جا که دانستن هر زبانی درهای تازه‌ای را برای توسعه اجتماعی می‌گشاید، به رشد سطح آموزش در این کشور کمک کرده است.

در بحرین علاوه بر مدارس ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان، مؤسسات و کالج‌هایی نیز وجود دارد. چنان‌که مراکز فرهنگی متعددی اعم از کتابخانه، موزه و غیره هم وجود دارد. وجود انواع انجمن‌های آموزشی، کتابخانه‌ها، مرکز مدارک تاریخی، دانشگاه و دانشکده‌ها و آموزشگاه‌های گوناگون از دیگر نشانه‌های بالا بودن سطح علمی و فرهنگی بحرین است.

آثار مهم فرهنگی و تاریخی

بعضی‌ها وجود آثار مهم فرهنگی و تاریخی در یک کشور را نشان رشد و بالندگی آن کشور به ویژه در عرصه تاریخی و مقایسه با سایر کشورها می‌دانند. بحرین با همه کوچکی جغرافیایی خود، از تاریخی غنی که از وجود تمدنی بسیار کهن حکایت می‌کند، برخوردار است. اکتشافات باستان‌شناسی نشان داده است که اولین ساکنین بحرین در حدود سه هزار سال پیش از میلاد مسیح به این محل آمده‌اند و قدمت تاریخی و باستانی این جزیره روشن شده است. در اولین تحقیقات باستان‌شناسان که تا سال ۱۹۴۰ ادامه یافت، معلوم گردید که زینت‌آلات و سلاح‌های کشف شده در مقابر بحرین

دست کم به ۱۳۰۰ سال پیش از میلاد بازمی‌گردد. طبق مطالعاتی که به عمل آمده، ثابت شده است که مرکز تمدنی قدیمی موسوم به دیلمون در بحرین قرار داشته و این جزیره به عنوان بندری مهم جهت تجارت سومریان، بابلیان و آشوریان با هند، ایفای نقش می‌نموده است.

باستان‌شناسان دانمارکی بین سال‌های ۱۹۵۷-۱۹۵۳ آثار چندین معبد قدیمی و شهر و دهات باستانی را از زیر خاک بیرون آوردند که از مجموع آنها می‌توان استنباط کرد که بحرین بیش از پنج هزار سال پیش به صورت مرکزی آباد بوده است. برخی از محققین احتمال داده‌اند که باغ معروف و افسانه‌ای عدن که مورد بحث محققین و باستان‌شناسان است، در این محل قرار داشته است. وجود آثاری از قبرستان‌های بسیار قدیمی متعلق به دوران قبل از تاریخ در سطح جزیره نیز توجه انسان را به خود جلب می‌کند. تعداد کل گورهایی که در این قبرستان‌ها وجود دارد در حدود ۱۷۰ هزار قبر تخمین زده شده است. این گورستان‌ها و آثار به جای مانده از آنها از وجود تمدنی نسبتاً پیشرفته در عهد باستان در این منطقه حکایت می‌نماید.

آثار تاریخی در بحرین عبارت است از: قلعه بحرین یا قلعه نادری، قلعه مراد، قلعه بوماهور، موقع الحجر، معابد الحجر (اماکن سنگی)، معابد الدراز، معابد باربار، مسجد تاریخی، الخمیس، قبور و قبرستان‌ها و چشمه‌های عذاری. (سیف افجه‌ای، پیشین، ص ۵۵-۵۶).

مؤسسات فرهنگی خارجی و فعالیت آنها

عمده‌ترین مؤسسات فرهنگی خارجی در بحرین عبارت است از:

۱. باشگاه پاکستانی‌ها؛ ۲. باشگاه هندوها؛ ۳. باشگاه کره جنوبی؛ ۴. باشگاه انگلیسی‌ها؛ ۵. انجمن فرهنگی فرانسه؛ ۶. انجمن دوستی بحرین و انگلستان؛ ۷. انجمن دوستی بحرین و فرانسه.

تعطیلات و اعیاد رسمی

در بحرین، سال میلادی، سال رسمی است و روزهای تعطیل در این کشور به این شرح می‌باشد:

۱. اول ژانویه (به مناسبت سال نو)؛ ۲. اول ماه رمضان؛ ۳. روز عید فطر؛ ۴. روز مبعث پیامبر؛ ۵. روز عید قربان؛ ۶. اول محرم (آغاز سال هجری قمری)؛ ۷. روز عاشورا (دهم محرم)؛ ۸. عید مولود (تولد پیامبر اکرم)؛ ۱۶. ۹ دسامبر (روز ملی یا روز استقلال).

رسانه‌های گروهی

اهمیت رسانه‌های گروهی یک کشور در ارتقای فرهنگی، علمی، سیاسی و اجتماعی بر کسی پوشیده نیست. بعضی از کشورها برای افزایش سطح نفوذ خود در میان دیگر کشورها، به ویژه

حکومت‌های رقیب، سرمایه‌هنگفتی را در بخش رسانه‌های گروهی هزینه می‌کنند. بحرین به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی خود سال‌هاست که به عنوان مرکز خبری مورد توجه اکثر سازمان‌های خبری دنیا قرار داشته و برخی از بنگاه‌های خبری، مرکز منطقه‌ای خود را در این کشور مستقر نموده‌اند. همین عامل سبب شده تا رسانه‌های گروهی بحرین در مقایسه با وسایل ارتباط جمعی سایر کشورهای عرب خلیج فارس از موقعیت برتری برخوردار شوند. هم‌چنین تمرکز فعالیت‌های بانکی و تجاری در بحرین باعث شده تا مؤسسات بین‌المللی خبری اهمیت بسزایی برای این کشور قائل شوند. اغلب خبرگزاری‌ها و بنگاه‌های خبری و هم‌چنین برخی از مراکز حساس اقتصادی از قبیل شرکت بیمه «لویدز» که یکی از کانال‌های تغذیه خبری خبرگزاری‌های بین‌المللی است در بحرین نمایندگی دارند و بیشتر اخبار منطقه از طریق دستگاه‌ها و مؤسسات خبری مورد تأیید قرار می‌گیرد. علاوه بر نقش خبرگزاری‌ها و بنگاه‌های خبری در ارتباطات بحرین، مطبوعات و رسانه‌های گروهی دیگری نیز در این کشور نقش دارند.

تاریخچه مطبوعات

اولین روزنامه در بحرین در سال ۱۹۳۹ در آستانه جنگ جهانی به نام «البحرین» منتشر گردید که بیشتر اخبار مربوط به جنگ جهانی را منتشر می‌نمود و در عمل به نام روزنامه «جنگ» معروف شده بود. در بین سال‌های ۱۹۵۱ و ۱۹۵۶، مطبوعات بحرین نسبت به سلطه انگلستان و قیمومیت آن در این کشور موضع‌گیری مخالف و روش انتقاد و مبارزه را در پیش گرفته و آهنگ آزادی و استقلال ملی سرمی‌دادند. از جمله مهم‌ترین این مطبوعات مجلات «صورة البحرین»، «القافله» و «الکفاح» بود که اکثراً توسط افراد چپ‌گرا اداره می‌شد، به همین دلیل حاکمان انگلستان دستور تعطیل این مطبوعات را در آن مقطع زمانی دادند.

در خلال سال‌های ۱۹۵۷ - ۱۹۶۵ مجله «هنالبحرین» توسط رادیو بحرین و هفته‌نامه «النجمة» توسط شرکت نفت بحرین انتشار یافت. مجله «هنالبحرین» بعدها زیر پوشش وزارت مطبوعات این کشور به نام «البحرین» و «البحرین الیوم» چاپ و منتشر گردید. از سال ۱۹۶۵، مطبوعات بحرین و فعالیت‌های آن با انتشار روزنامه‌های جدید تحول یافته است.

مطبوعات

روزانه

• اخبار الخلیج [فارس]

شهر: منامه؛ سال انتشار: ۱۹۷۶؛ زبان: عربی؛ تیراژ: ۲۲,۰۰۰ نسخه؛ نوع: سیاسی - اجتماعی (غیردولتی).

• الایام

شهر: منامه؛ سال انتشار: ۱۹۸۹؛ زبان: عربی؛ تیراژ: ۲۵,۰۰۰.

Gulf Daily News

شهر: منامه؛ سال انتشار: ۱۹۷۸؛ زبان: انگلیسی؛ تیراژ: ۱۱,۵۰۰ نسخه؛ نوع: سیاسی - اجتماعی (غیردولتی)

• الجریدة الرسمية

زبان: عربی؛ نوع و هدف: درج آگهی‌های دولتی.

• بولتن اخبار البحرین

زبان: عربی؛ انتشارات: وزارت اطلاعات.

هفته‌نامه‌ها:

• الاضواء

شهر: منامه؛ سال انتشار: ۱۹۵۶؛ زبان: عربی؛ تیراژ: ۷,۰۰۰ نسخه؛ نوع: سیاسی - اجتماعی (دولتی).

• اخبار BAPCO

شهر: العوالی؛ سال انتشار: ۱۹۸۱؛ زبان: عربی؛ انتشارات: شرکت نفت بحرین؛ تیراژ: ۸,۰۰۰ نسخه.

• اخبار هفتگی BAPCO

شهر: العوالی؛ زبان: انگلیسی؛ انتشارات: شرکت نفت بحرین؛ تیراژ: ۱,۰۰۰ نسخه.

• البحرین

شهر: عیسی؛ زبان: عربی؛ انتشارات: وزارت اطلاعات؛ تیراژ: ۳,۰۰۰ نسخه.

• المواقف

شهر: منامه؛ سال انتشار: ۱۹۷۳؛ زبان: عربی؛ تیراژ: ۶,۰۰۰ نسخه.

• اخبار نفت و گاز

شهر: منامه؛ زبان: انگلیسی؛ انتشارات: شرکت الهلال.

• صدی الاسبوع

سال انتشار: ۱۹۶۹؛ زبان: عربی؛ تیراژ: ۳۵,۰۰۰ (در امارات مختلف خلیج فارس) نوع: سیاسی - اجتماعی (غیردولتی).

• Gulf Weekly Mirror

زبان: انگلیسی؛ نوع: سیاسی - اقتصادی.

- النجمية الاسبوعیه
- زبان: عربی؛ نوع: نفتی - اقتصادی (دولتی).
- الرياضه
- زبان: عربی؛ نوع: ورزشی - فرهنگی (دولتی).
- البیرق
- انتشارات: وزارت دفاع بحرین؛ نوع: نظامی.

ماهنامه‌ها

- Gulf Construction
- زبان: انگلیسی؛ انتشارات: شرکت الهلال؛ تیراژ: ۱۰,۱۶۶.

• Gulf Panorama

شهر: منامه؛ تیراژ: ۱۵,۰۰۰ نسخه.

• الحياة التجارة

شهر: منامه؛ زبان: عربی و انگلیسی؛ تیراژ: ۳,۵۰۰ نسخه؛ نوع: بازرگانی - اقتصادی (دولتی).

• الهدایة

شهر: منامه؛ سال انتشار: ۱۹۷۸؛ زبان: عربی؛ انتشارات: وزارت دادگستری و امور اسلامی؛ تیراژ:

۵,۰۰۰ نسخه؛ نوع: مذهبی - فرهنگی.

• المرشد

شهر: منامه؛ زبان: عربی و انگلیسی.

• پروفایل

شهر: منامه؛ سال انتشار: ۱۹۹۲؛ زبان: انگلیسی.

• القوه

شهر: منامه؛ سال انتشار: ۱۹۷۷؛ انتشارات: نیروی دفاع بحرین.

• Shipping and Transport News International

شهر: منامه؛ زبان: انگلیسی؛ تیراژ: ۵,۵۰۰ نسخه؛ انتشارات: شرکت الهلال.

• Travel and Tourism News Middle East

شهر: منامه؛ زبان: انگلیسی؛ تیراژ: ۵,۹۰۰ نسخه؛ انتشارات: شرکت الهلال.

• الوثیقه

زبان: عربی؛ انتشارات: مرکز اسناد تاریخی (دولتی)؛ نوع: تاریخی - فرهنگی.

سایر نشریات

• Arab Agriculture

سال نامه است. شهر: منامه؛ زبان: عربی و انگلیسی؛ انتشارات: WLL.

• Arab World Agribusiness

در سال نه شماره منتشر می‌شود. شهر: منامه؛ زبان: عربی و انگلیسی؛ انتشارات: WLL.

• Delmon

شهر: منامه؛ سال انتشار: ۱۹۷۳؛ زبان: عربی و انگلیسی؛ تیراژ: ۲,۰۰۰ نسخه؛ انتشارات: جامعه باستان‌شناسی و تاریخی بحرین.

• Discover Bahrain

شهر: منامه؛ سال انتشار: ۱۹۸۸؛ زبان: انگلیسی.

• المهندس (فصل نامه)

شهر: منامه؛ سال انتشار: ۱۹۷۲؛ زبان: عربی و انگلیسی؛ انتشارات: انجمن مهندسين بحرین.

• المسافر العربی (دو ماه یکبار منتشر می‌شود)

شهر: منامه؛ سال انتشار: ۱۹۸۴؛ زبان: عربی؛ انتشارات: WLL.

علاوه بر نشریات یاد شده، مجلات تایم، نیوزویک و اکونومیست نیز در بسیاری از باجه‌های روزنامه‌فروشی و کتاب‌فروشی‌ها در دسترس مردم قرار دارد.

هم‌چنین International Herald Tribune یکی دو هفته پس از چاپ به بحرین وارد می‌شود. مجلات بانوان که اغلب انگلیسی است، به علاوه مجلات ورزشی و سرگرم‌کننده در بسیاری از باجه‌های روزنامه‌فروشی موجود است.

خبرگزاری‌های خارجی

• خبرگزاری فرانس پرس (فرانسوی)

شهر: منامه.

• اسوشیتد پرس (AP=آمریکایی)

شهر: منامه.

• خبرگزاری آلمان (dpa)

شهر: منامه.

• خبرگزاری گلف نیوز

شهر: منامه.

• خبرگزاری هند

شهر: منامه.

• رویتر (انگلیسی)

شهر: منامه.

• اینترپرس سرویس (IPS = ایتالیایی)

شهر: منامه، وابسته به خبرگزاری گلف نیوز.

خبرگزاری داخلی

• خبرگزاری بحرین

انتشارات

• Arab communicators

شهر: منامه.

• Falcon Directory Publications, WLL

شهر: منامه.

• Gulf Advertising

شهر: منامه.

• Hilad Publishing and Marketing Group – AL

شهر: منامه.

• Masirah Journalism, Printing and Publishing House – AL

شهر: منامه.

• Government Publishing House

شهر: منامه.

رادیو و تلویزیون

در سال ۱۹۹۷ تعداد ۳۳۸,۰۰۰ گیرنده رادیو و تعداد ۲۷۵,۰۰۰ گیرنده تلویزیون قابل استفاده در

بحرین وجود داشته است.

رادیوی بحرین در سال ۱۹۷۷ تأسیس شده و دارای چهار شبکه رادیویی با برنامه‌های مختلف

است:

برنامه اول رادیویی آن به مدت هجده ساعت به پخش برنامه‌های عمومی می‌پردازد.

برنامه دوم به مدت شش ساعت از ۱۴ تا ۲۰، شامل برنامه‌های اجتماعی - فرهنگی، موسیقی و

پخش زنده مراسم رسمی جشن‌هاست و از ساعت ۲۰ تا ۲۴، تلاوت قرآن کریم و برنامه‌های مذهبی

پخش می‌شود.

برنامه سوم رادیو از موج اف - ام به مدت هجده ساعت در روز به پخش برنامه‌های ورزشی به

ویژه فوتبال می‌پردازد. همچنین روزانه به مدت دو ساعت از رادیوی بحرین، برنامه‌های مربوط به

شورای همکاری خلیج فارس به نام «صوت مجلس التعاون» پخش می‌شود. از موج اف - ام نیز

میزگردهای مختلف و موسیقی سنتی و مدرن پخش می‌گردد.

برنامه‌های رادیویی و نیروی هوایی در ظهران و برنامه‌های رادیویی «آرامکو» که به زبان

انگلیسی و در عربستان سعودی تهیه می‌شود، بحرین را نیز زیر پوشش خود دارد. آرامکو با چهار

طول موج به پخش برنامه‌های عمومی، کلاسیک، غربی و موسیقی می‌پردازد. برنامه‌های

انگلیسی‌زبان قطر و دوی نیز توسط گیرنده‌های بحرین قابل دریافت است. همچنین آخرین اخبار با

موج کوتاه از صدای خاورمیانه آمریکا و سرویس آفریقا در طول صبح و بعد از ظهر به خوبی سرویس

جهانی BBC و سرویس رادیو و تلویزیون نیروهای مسلح در بحرین گرفته می‌شود. برنامه رادیو

بوشهر نیز روی موج متوسط، ردیف ۱۵۰۳ کیلوهرتز، قابل دریافت است.

باید گفت رادیو بحرین و خطوط مخابراتی آن، خلیج فارس و خط INTELSAT را با بقیه جهان

مرتبط می‌سازد. در حقیقت از سال ۱۹۶۹ که ایستگاه ماهواره زمینی در بحرین شروع به کار کرد، این

کشور را به صورت مرکز ارتباطات در خاورمیانه درآورد. اکنون این کشور با داشتن چهار ایستگاه

زمینی، با ماهواره‌هایی که برفراز اقیانوس هند و آتلانتیک قرار دارند، هم‌چنین با عرب‌ست در ارتباط

است. بنگاه خبرپراکنی در این کشور نیز در سال ۱۹۵۵ تأسیس شده که یک مؤسسه دولتی است و

برنامه‌های خود را به زبان‌های عربی و انگلیسی عرضه می‌کند.

تلویزیون‌های بحرین پخش برنامه‌های خود را به صورت رنگی، از سال ۱۹۷۳ آغاز کرده است و

شامل پنج شبکه به زبان‌های عربی و انگلیسی است و شرق عربستان سعودی، قطر و امارات متحده

عربی را تحت پوشش قرار می‌دهد.

شبکه‌های تلویزیون بحرین کلاً در روز، ۲۴ ساعت برنامه به زبان عربی (مجموعاً در چند کانال)

و هشت ساعت برنامه به زبان انگلیسی دارد که برنامه‌های انگلیسی آن شامل اخبار، سریال‌های

آمریکایی، فیلم، کارتن و سایر برنامه‌های انگلیسی می‌شود. برنامه‌های کانال دیگر انگلیسی‌زبان نیز

توسط آرامکو از عربستان پخش می‌گردد. به علاوه، شبکه‌های تلویزیون بحرین نه ساعت از پخش

برنامه‌های کانال ماهواره‌ای مصر، ۲۴ ساعت B.B.C، یک ساعت C.C.N و نه ساعت از مرکز تلویزیون خاورمیانه M.B.C، تغذیه می‌شود. سطح پوشش کانال یک، ۲۱ کیلو وات و کانال دو، ۵۵ کیلو وات است. با آنتن مناسبی می‌توان از بحرین، برنامه‌های تلویزیونی قطر، کویت و دوی را تماشا کرد. ایستگاه‌های تلویزیونی در بحرین از اسکن‌های اروپایی استفاده می‌کنند (پال - سکام، خطوط ۶۲۵) و دستگاه‌های آمریکایی در این مورد قابل استفاده نیست. هم‌چنین در بحرین نوارهای ویدئویی کرایه داده می‌شود. در سال ۱۹۹۹، بحرین به سه گیرنده اینترنت مجهز شده است.

میزان کنترل دولت بر رسانه‌های گروهی

دولت بحرین بر همه رسانه‌های گروهی داخلی کنترل داشته و جریان خبررسانی را زیر نظر خود دارد. طبق ماده ۵ قانون مطبوعات بحرین که در ۱۶ اوت ۱۹۷۹ به تصویب رسیده است، وزیر مطبوعات حق دارد از مؤسسات انتشاراتی و چاپ‌خانه‌ها درخواست نماید که از متون ارسالی هر نویسنده قبل و در خلال چاپ اطلاع یابد و در صورت مشاهده هرگونه مغایرتی با نظام کشور، وزیر می‌تواند آن را توقیف کند. هم‌چنین در ماده ۱۳ و ۱۵ به وزیر مطبوعات اجازه داده شده است تا از ادامه انتشار مطبوعاتی که علیه حکومت فعالیت می‌نماید، جلوگیری کند. به علاوه این‌که فعالیت هر روزنامه، بدون کسب مجوز قبلی ممنوع می‌باشد و طبق ماده ۱۸ افرادی که به انتشار و پخش مطبوعات و یا انتشارات ممنوعه و یا مصادره شده، بدون اجازه قبلی مقامات مربوطه اقدام نمایند، حداکثر مدت دو سال زندان و یا پرداخت غرامت حداکثر تا دو هزار دینار بحرینی محکوم خواهند شد.

بحرین در سه دهه اخیر

در بخش پیشین مقاله به تاریخ کهن بحرین و حکومت‌ها و امارت‌های آن اشاره شد. بحرین در طی دهه‌های اخیر شاهد تحولات متفاوتی بوده است که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. روی کار آمدن شیخ عیسی

به دنبال درگذشت شیخ عیسی بن سلمان آل خلیفه - امیر بحرین - در اسفند ماه سال ۱۳۷۷ پسر ارشد وی به نام شیخ حمد بن عیسی که ولیعهد این کشور بود، بر مسند امیری نشست. با روی کار آمدن امیر جدید، بحرین شاهد تحولات تاریخی و بی‌سابقه‌ای شد. این تحولات عبارت است از:

- عفو زندانیان سیاسی: از زمان پایان عزای عمومی در این کشور، امیر بحرین طی چند نوبت تعداد ۷۸۹ نفر از معارضین این کشور را مورد عفو قرار داد. مهم‌ترین تحول در این خصوص، آزادی

شیخ عبدالامیر الجمری از رهبران اصلی ناآرامی‌ها (در سال‌های ۱۹۹۶ - ۱۹۹۴) بود که توانست التهابات داخلی این کشور را به شکل مؤثری فرونشاند.

- فرمان افتتاح مجلس سوم شورا.

- تشکیل کمیته حقوق بشر در مجلس شورای بحرین: در مهرماه ۱۳۷۸ امیر با صدور فرمانی، کمیته‌ای را به منظور بررسی وضعیت حقوق بشر و رسیدگی به مشکلات مردم در این خصوص به ریاست نایب رئیس مجلس تشکیل داد. اگرچه این اقدام از سوی معارضین بحرینی مستقر در لندن اقدامی نمایشی توصیف شد ولی این اقدام موجب شد فشارهای حقوق بشری از سوی نهادهای بین‌المللی به ویژه سازمان عفو بین‌الملل کاهش یابد و در نهایت به خارج شدن موضوع بحرین از دستور کار کمیته حقوق بشر سازمان ملل منجر گردید.

- تقویت نقش زنان در جامعه: در این مورد، امیر بحرین برای نخستین بار یک سفیر زن را از سوی آن کشور در پاریس منصوب کرد.

- تشکیل کمیته منشور ملی بحرین: امیر بحرین طی حکمی در تاریخ ۱۳۷۹/۹/۳ با تأسیس کمیته عالی ملی جهت تدوین منشور ملی این کشور، اعضای ۴۶ نفره آن را تعیین نمود.

- فرمان عفو امیر و برگزاری همه‌پرسی در این کشور: در تاریخ ۱۳۷۹/۱۱/۱۷ امیر بحرین طی سخنرانی به مناسبات سی و سومین سالگرد تأسیس ارتش این کشور، تمامی محکومین مسائل امنیتی را عفو کرد. وی دستوراتی نیز جهت تسریع در بازگشت شهروندان بحرینی مقیم خارج صادر کرد.

این اقدام امیر درست زمانی انجام گرفت که ده روز به زمان برگزاری همه‌پرسی درباره اصلاحات سیاسی باقی مانده بود.

- از دیگر اقدامات بی‌سابقه امیر بحرین، رفتن به منازل رهبران شیعیان و رسیدگی به خواسته‌های آنان بود که تأثیر بسیار مثبتی بر جامعه شیعیان بحرین گذاشت.

همه‌پرسی بی‌سابقه در بحرین در تاریخ ۲۶ و ۲۷ بهمن ۱۳۷۹ با حضور گسترده مردم و کسب ۹۸/۴٪ رأی مثبت برگزار گردید. به این ترتیب منشور ملی بحرین که متضمن اصلاحات سیاسی از جمله تغییر نظام امیری به پادشاهی مشروطه، تشکیل مجلس انتخابی و برگزاری انتخابات آزاد بود، لازم‌الاجرا گردیده و کمیته‌ای به ریاست ولیعهد این کشور به منظور نظارت بر اجرای قانون اساسی و منشور ملی این کشور تشکیل گردید.

این اقدامات امیر که مورد استقبال بسیاری از کشورها قرار گرفت، پرونده ناآرامی‌های داخلی دهه ۹۰ این کشور را بست و فضای جدیدی برای تحولات سیاسی و اقتصادی این کشور آغاز شد. اما فضای جدید چندان مطلوب ادامه پیدا نکرد و همواره اعتراض‌های اقلیت را به دنبال داشت.

این اعتراضات هم‌زمان با بیداری اسلامی کشورهای مختلف شدت یافت که در بخش بعدی به آن می‌پردازیم.

۲. تشکیل حکومت و تحولات آن

در پی استقلال بحرین، امیر بحرین در روز چهاردهم اوت ۱۰۷۱ بیانیه‌ای صادر کرد و ضمن اعلام استقلال بحرین، اصول اساسی مورد اعتقاد بحرین را برشمرد (کامران مقدم، ۱۳۵۶):

۱. پایان بخشیدن به تمام قراردادهای و پیمان‌های سیاسی و نظامی میان بحرین و دولت انگلستان؛

۲. تنظیم روابط بین‌المللی و امور خارجی؛

۳. اقدام فوری برای عضویت در جامعه عرب و سازمان ملل متحد؛

۴. تقاضا از دولت‌های عربی برادر و دولت‌های اسلامی دوست و سایر دولت‌های جهان که موجودیت بحرین را به رسمیت بشناسند.

فردای آن روز (۱۵ اوت ۱۹۷۱) امیر بحرین دو فرمان دیگر صادر کرد که به موجب آنها مقرر گردید نام امارت بحرین، «دولت بحرین» و لقب رسمی حاکم بحرین، «امیر دولت بحرین» باشد. شورای دولت به نام «شورای وزیران» و اعضای شورای دولت به نام «وزرا» و ادارات دولت «وزارتخانه‌ها» نامیده شدند. پس از آن، بحرین فعالیت‌های خود را به صورت یک کشور مستقل آغاز نمود.

۳. قانون اساسی، تحولات و ویژگی‌های آن

در خلال سال‌های ۱۹۷۳ - ۱۹۷۲ بنا بر ضرورت تدوین قانون اساسی بحرین، کمیته‌ای متشکل از چهار تن از وزرای کابینه با مشارکت یک کارشناس حقوقی پارلمان کویت، طی فرمانی از سوی امیر بحرین تشکیل شد و مأموریت یافت تا پیش‌نویس قانون اساسی را تهیه کرده و جهت بررسی و تصویب به مجلس قانون‌گذاری (مؤسسان) واگذار نماید.

زمان انتخابات و تدوین قانون اساسی، ۲۰ ژوئن ۱۹۷۲ تعیین گردید.

مجلس مؤسسان از ۴۲ نماینده تشکیل می‌شد که ۲۲ تن از آنان (از ۱۸ حوزه انتخاباتی) به طور مستقیم از طرف مردم برگزیده می‌شدند، و دوازده تن از اعضای هیئت دولت و هشت تن از نمایندگان انتصابی امیر بودند.

امیر بحرین در تاریخ ۱۶ دسامبر ۱۹۷۲ که با سالروز جلوس وی مصادف بود، به طور رسمی مجلس مؤسسان را افتتاح نمود و به این ترتیب مجلس مؤسسان، قانون اساسی کشور را تصویب نمود و این قانون پس از توشیح امیر بحرین در تاریخ ۱۶ مه ۱۹۷۳ به مورد اجرا گذاشته شد.

قانون اساسی بحرین از پنج باب اصلی و چهار فصل و ۱۰۹ ماده تشکیل شده است:

باب اول - دولت و نظام حکومت؛

باب دوم - پایه‌های اصلی جامعه؛

باب سوم - مسائل حقوقی و وظایف عمومی؛

باب چهارم - قوای مقننه، مجریه و قضائیه؛

باب پنجم - احکام عمومی.

پس از روی کار آمدن پادشاه جدید بحرین، کمیته‌ای جهت تعدیل قانون اساسی بحرین تشکیل گردید و تعدیلاتی بر مبنای منشور ملی در قانون اساسی صورت گرفت و تعدیلات به عمل آمده در قانون اساسی در قالب قانون اساسی جدید متشکل از ۱۲۵ اصل، در ۱۴ فوریه ۲۰۰۲ به تصویب پادشاه رسید. بر اساس اظهارات آقای عبدالغفار وزیر مشاور در امور خارجی بحرین، محورهای عمومی این تعدیلات به شرح زیر است:

- نام رسمی کشور از «دولة البحرين» به «مملكة البحرين» (پادشاهی بحرین) تغییر یافته و عنوان شیخ حمد نیز از «امیر دولة البحرين» به «صاحب العظمة شیخ حمد بن عیسی آل خلیفه ملک مملكة البحرين» تغییر یافته است.

- قانون‌گذاری در بحرین توسط مجلس مشورتی و نمایندگان انجام خواهد شد.

بر اساس این، هر یک از دو مجلس چهل عضو خواهد داشت که اعضای مجلس مشورتی توسط امیر منصوب می‌گردند. اعضای مجلس نمایندگان (نواب) از طریق برگزاری انتخابات آزاد توسط مردم انتخاب خواهند شد. شأن هر دو مجلس از نظر قانونی برابر است و هر دو مجلس تحت یک سقف واحد، یعنی مجلس ملی (وطنی) تشکیل خواهد شد. وظیفه نظارت بر قوه مجریه فقط به عهده مجلس نمایندگان خواهد بود.

- تشکیل دادگاه قانون اساسی که وظیفه‌اش نظارت بر تطبیق قوانین و لوایح با قانون اساسی است.

- زنان حق مشارکت در انتخابات (انتخاب شدن و انتخاب کردن) را دارند.

- انتخاب شورای شهرداری‌ها در ماه مه ۲۰۰۲ (۲۰ آبان ۸۱) برگزار خواهد شد.

بر اساس این، کار مجلس مشورتی فعلی پایان پذیرفته است و مقدمات لازم برای برگزاری انتخابات و تشکیل دو مجلس جدید انجام خواهد شد.

۴. تشکیلات حکومتی

به موجب ماده ۳۲ قانون اساسی، قوای کشور به سه قسمت تقسیم می‌شود: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه. این سه قوه از یکدیگر جدا بوده و هیچ یک حق دخالت در امور دیگری را ندارد.

- قوه مقننه

بر اساس تعديلات انجام گرفته در قانون اساسی بحرین، قوه مقننه از دو مجلس شورا و مجلس نمایندگان تشکیل شده است، که مجلس شورا دارای چهار عضو می‌باشد که به فرمان پادشاه برای مدت چهار سال تعیین می‌شوند و این زمان قابل تمدید است. مجلس نمایندگان نیز از چهار عضو تشکیل می‌گردد که از طریق آرای مستقیم و مخفیانه مردم و بر اساس ضوابط قانونی برای مدت چهار سال انتخاب می‌شوند.

- شرایط انتخاب شدن نمایندگان مجلس شورا و مجلس نمایندگان

- ۱) تابعیت بحرین و برخورداری از حقوق شهروندی و سیاسی؛
 - ۲) خواندن و نوشتن زبان عربی؛
 - ۳) داشتن ۳۵ سال تمام برای مجلس شورا و دست کم ۳۰ سال برای مجلس نمایندگان.
- نشست مجلس شورا با (تاریخ) نشست مجلس نمایندگان آغاز می‌گردد. هر یک از دو مجلس دارای یک دوره انعقاد می‌باشد. در صورت انحلال مجلس نمایندگان، نشست‌های مجلس شورا نیز متوقف می‌شود؛ زیرا دو مجلس مکمل یکدیگرند و در صورت نبود هر یک، اعتبار قانونی دیگری در خصوص قانون‌گذاری و اخذ تصمیمات ساقط می‌گردد.

انحلال مجلس

طبق ماده ۶۵ قانون اساسی بحرین، امیر این کشور می‌تواند مجلس ملی را منحل نماید، در این صورت انتخابات مجلس بعدی باید در خلال مدت یک ماه به عمل آید و مجلس جدید تشکیل گردد. چنانچه در طی یک ماه پس از انحلال مجلس، انتخابات جدید به عمل نیامد، مجلس قبلی می‌تواند دوباره تشکیل شده و دوره خود را تا پایان ادامه دهد.

با این حال در عمل، مجلس اول بحرین دوامی نداشت. در روز ۱۶ دسامبر ۱۹۷۳، مجلس شورای ملی این کشور با حضور سی نماینده، اولین جلسات خود را پس از پایان مجلس مؤسسان منعقد نمود. اما این تجربه بیش از دو سال به طول نینجامید و برخی دولت‌های خارجی، از جمله

انگلستان با تحت فشار قرار دادن دولت بحرین، آن را به انحلال مجلس وادار کردند. از این رو مجلس ملی بحرین در سال ۱۹۷۵ به بهانه «اخلال در امور کشور» تعطیل شد.

تشکیل دور سوم مجلس شورای بحرین

مجلس شورای بحرین که در سال ۱۹۷۵ به بهانه «اخلال در امور کشور» تعطیل شده بود، به فرمان امیر جدید بحرین در تاریخ ۱۳۷۹/۷/۱۲ دوباره افتتاح شد. هم‌چنین وی طی حکمی ابراهیم محمد حسن حمیدانی را به سمت رئیس مجلس منصوب نمود. فرمان انعقاد دوره جدید مجلس شورای بحرین از سال ۲۰۰۰ لغایت ۲۰۰۴ صادر گردیده است. تعداد اعضای دوره جدید مجلس از سی نفر به چهار نفر افزایش پیدا کرد.

در مجلس جدید برای اولین بار چهار نماینده زن (دو نفر سنی، یک نفر شیعه و یک نفر مسیحی) و دو نماینده از اقلیت‌های مسیحی و یهودی منصوب شده‌اند.

در دوره قبلی، کرسی‌های مجلس به طور مساوی به شیعیان و اهل تسنن اختصاص یافته بود. در مجلس جدید نیز این موازنه حفظ شده است. به این ترتیب از مجموع چهار نماینده، نوزده نفر شیعه و نوزده نفر سنی، یک نفر مسیحی و یک نفر یهودی می‌باشد.

اگرچه تعداد مسیحیان در بحرین هفت تا هشت درصد جمعیت این کشور ذکر شده است و تعداد یهودیان کمتر از دویست نفر می‌باشد ولی تعداد دو نماینده مذکور، اقدامی سمبلیک در راستای سیاست فضای باز سیاسی در کشور بحرین تلقی می‌شود.

البته این آزادی نسبی تا وقتی ادامه دارد که احزاب با سیاست رایج امیر بحرین مخالفت نکنند. به عبارت دیگر، هرگاه منافع قدرت‌های خارجی در بحرین به خطر افتد، امیر بحرین مأموریت خواهد یافت که آنان را سرکوب کند؛ چنان‌که این موضوع را در جریان بیداری اسلامی در ماه‌های اخیر مشاهده کردیم.

قوه مجریه

اعلام نظام پادشاهی

بر اساس تعديلات انجام گرفته در قانون اساسی کشور، لقب «پادشاه» جای‌گزین لقب «امیر» و عنوان «پادشاهی بحرین» جای‌گزین «دولت بحرین» شده است. عنوان‌های «پادشاهی بحرین» و «پادشاه» در سال ۳۴ ماده قانون اساسی جای‌گزین اصلاحات قبلی شده است.

بر اساس این، بحرین دارای کشور پادشاهی مشروطه موروثی است که از پدر به پسر ارشد انتقال می‌یابد.

پادشاه در رأس کشور و نماینده رسمی آن می‌باشد. وی از پاسخ‌گویی و سؤال مصونیت دارد و امانت‌دار دین و کشور و سمبل وحدت ملی می‌باشد.
پادشاه حامی مشروعیت نظام، سیادت قانون اساسی و حافظ حقوق و آزادی‌های اشخاص و مؤسسات می‌باشد.

اختیارات قانون پادشاهی

- نظارت مستقیم بر هیئت دولت از طریق وزرای انتصابی و پاسخ‌گویی تمام وزیران در مقابل پادشاه؛
- تعیین و برکناری نخست‌وزیر با صدور حکم سلطنتی و تعیین و برکناری وزرا بنا به پیشنهاد نخست‌وزیر؛
- تشکیل مجدد کابینه پس از شروع کار مجلس قانون‌گذاری جدید؛
- تعیین و برکناری اعضای مجلس مشورتی (شورا)؛
- فرماندهی عالی نیروهای مسلح؛
- ریاست شورای عالی قضایی و تعیین قضات بنا به پیشنهاد شورای عالی قضایی؛
- اعطای نشان تشریفاتی بر اساس قانون؛
- اعطا و بازپس‌گیری درجات کشوری و لشکری و القاب تشریفاتی با صدور احکام سلطنتی؛
- چاپ پول کشور به نام پادشاه بر اساس قانون.

تفاوت اصطلاح پادشاه و امیر

به رغم این‌که اصطلاح پادشاه و امیر، یک نظام واحد موروثی را تداعی می‌نماید، اما نظام پادشاهی در مفهوم فنی دقیق آن تفاوت زیادی با نظام امیری دارد. اصطلاح «پادشاه» به مفهوم این است که وی به عنوان اول شخص در رأس کشور قرار دارد، در حالی که اصطلاح «امیر» تنها بر رأس یک امارت اطلاق می‌گردد. بنابراین اصطلاح «پادشاه» وی را از لحاظ القاب و جایگاه منحصر به فرد می‌نماید و او را به عنوان سمبل کشور پادشاهی و ملت در داخل و خارج کشور قرار می‌دهد. در این راستا مسئولیت پادشاه در مقابل ملت و کشور بسیار افزوده می‌گردد.

توشیح پادشاه

در چارچوب صلاحیت‌هایی که قانون اساسی به پادشاه اعطا نموده است وی با صدور فرمان پادشاهی و توشیح آن شخصاً بر امور احاطه داشته و به امضای نخست‌وزیر و کابینه نیازی ندارد. اما

صلاحیت‌هایی که پادشاه از طریق کابینه به آن اشراف دارد، پس از امضای نخست‌وزیر یا وزرای ذی‌ربط کابینه به صورت مصوبه به توشیح وی می‌رسد. توشیح پادشاه تنها به منزله اعتماد صرف به امضای نخست‌وزیر و وزرای ذی‌ربط کابینه نیست بلکه پادشاه حق توشیح یا عدم توشیح مصوبات را با توجه به دیدگاه مورد نظر خود دارا می‌باشد.

اسامی حاکمان آل خلیفه از ابتدا تاکنون به ترتیب زیر است:

۱. شیخ خلیفه (کویت)؛ ۲. محمد بن خلیفه (کویت) الزبارة؛ ۳. خلیفه الزبارة؛ ۴. احمد الفاتح؛ ۵. سلمان؛ ۶. عبدالله بن احمد؛ ۷. علی بن خلیفه؛ ۸. محمد بن عبدالله؛ ۹. عیسی بن علی؛ ۱۰. حمد بن عیسی؛ ۱۱. سلمان بن محمد؛ ۱۲. عیسی بن سلمان؛ ۱۳. حمد بن عیسی.

قوه قضاییه

دستگاه قضایی بحرین تا سال ۱۹۲۰، از یک قاضی شرع و یک امیر از خاندان مشهور بحرین تشکیل می‌شد. از سال ۱۹۲۰ به بعد، دو نوع دادگاه در بحرین تشکیل شد: یکی دادگاه کشورهای مشترک‌المنافع انگلستان که به جرایم خارجی و اختلاف بین خارجی و بحرینی‌ها رسیدگی می‌نمود و دیگری دادگاهی که مخصوص رسیدگی به مرافعات بحرینی‌ها بود.
از سال ۱۹۵۵ به تدریج قوانینی برای رسیدگی به اختلافات وضع گردید که بیشتر بر مبنای قوانین انگلیسی بود ولی پس از عقب‌نشینی انگلیسی‌ها از بحرین در سال ۱۹۷۰ و آمدن قضات مصری، به تدریج قوانین بحرین تحت تأثیر قوانین مصری که ریشه آن از حقوق فرانسوی است، قرار گرفت. با این وصف، هنوز اثر قوانین انگلیسی در قوانین جزایی بحرین دیده می‌شود و قراردادهای طبق قوانین انگلیسی منعقد می‌گردد.

تا سال ۱۹۷۰، دادگاه‌های بحرین به شکل کاپیتولاسیون اداره می‌شد ولی از آن پس، طبق فرمان امیر بحرین، دادگاه‌های بحرین به جرایم کلیه افراد اعم از خارجی و بحرینی رسیدگی می‌نماید.

از سال ۱۹۷۰، تعدادی از قضات خارجی عرب که بیشتر مصری بودند و در دادگاه‌های عالی بحرین انجام وظیفه می‌نمودند، به استخدام حکومت بحرین درآمدند و در حال حاضر نیز قضات بحرینی به کمک آنها، سیستم قضایی بحرین را در دست دارند.

اکنون قوه قضاییه مرجع رسیدگی به دعاوی است و طبق قانون اسلام و قوانین موضوعه که نباید با قوانین اسلامی مغایر باشد، به نام امیر، آرای خود را صادر می‌نماید.

بر اساس قانون اساسی بحرین، قوای سه‌گانه مستقل بوده و هیچ‌یک از سه قوه مجاز نیست نسبت به دیگری اعمال نفوذ و سلطه داشته باشد ولی در عمل، قوه قضائیه تابع دولت است و زیر نظر قوه مجریه فعالیت می‌کند.

قضات در قضاوت مستقل بوده و طبق قانون اساسی بحرین، هیچ‌کس نمی‌تواند در قضاوت قاضی اعمال نفوذ و دخالت نماید و جلسات دادگاه‌ها - به جز مواردی که قانون بیان می‌کند - علنی می‌باشد و متهم حق گرفتن وکیل مدافع را داشته و در صورت عدم استطاعت، می‌تواند از دادگاه حضور وکیل را درخواست نماید.

شورای عالی قضایی بر حسن گردش کار دادگاه‌ها نظارت داشته و به امور استخدامی و شغلی دست‌اندرکاران قضایی و دادستانی رسیدگی می‌کند.

در حال حاضر دادگاه‌های بحرین شامل دو دادگاه مدنی و شرعی می‌شود. دادگاه‌های مدنی که خود به دو دسته دادگاه‌های مدنی صغری و دادگاه‌های مدنی کبری تقسیم می‌شود به امور مدنی، جزایی، کارگری و بازرگانی رسیدگی می‌کند.

تحقیق در این دادگاه‌ها از هر درجه‌ای که باشد توسط پلیس انجام می‌شود و پس از آن که تحقیقات از متهم انجام شد و نظر داده شد، پرونده به دادگاه محول می‌گردد.

دادگاه‌های شرعی نیز از آن‌جا که ۷۰٪ مردم بحرین را شیعیان تشکیل می‌دهند، به دو بخش دادگاه شرعی جعفری و دادگاه شرعی سنی تقسیم می‌شود. این دادگاه‌ها طبق حقوق اسلامی به احوال شخصی رسیدگی می‌کند.

دادگاه‌های نظامی به جرایم نظامی افراد نیروهای مسلح و نیروهای امنیتی رسیدگی می‌کند و جز در زمان حکومت نظامی، نمی‌توان افراد غیرنظامی را در این دادگاه‌ها محاکمه کرد.

دادگاه‌های امنیتی به جرایم کسانی که بر ضد امنیت و استقلال کشور فعالیت می‌کنند، رسیدگی می‌کند و از سال ۱۹۹۴ در پی ناآرامی‌های بحرین، اهمیت زیادی پیدا کرد.

احکام اعدام و عفو مجرمین باید توسط امیر بحرین تأیید شود. انجام امور مربوط به ثبت اسناد و املاک، ثبت شرکت‌ها، اداره امور اسلامی و رسیدگی به اختلافات ناشی از قوانین و بخش‌نامه‌های دولتی به قوه قضائیه محول شده و زیر نظر وزیر دادگستری اداره می‌شود.

۵. تقسیمات کشوری و اداری

به موجب ماده یک قانون اساسی این کشور، بحرین یک کشور عربی مستقل شناخته می‌شود که مردم آن جزئی از ملت عرب می‌باشند و سرزمین آن بخشی از سرزمین بزرگ اعراب به شمار می‌رود. بر اساس تقسیمات جدید، بحرین به پنج استان تقسیم شده است:

استان شمالی، استان جنوبی، استان منامه (پایتخت)، استان محرق و استان الوسطی.

۶. ساختار سیاسی

نام رسمی این کشور «پادشاهی بحرین» است و ترکیب آن به صورت «پادشاهی» می‌باشد. این کشور در سال ۱۹۷۱ استقلال یافت و قانون اساسی آن در سال ۱۹۷۳ به مورد اجرا گذاشته شد. مجلس این کشور که با سی نماینده انتخابی در سال ۱۹۷۳ شروع به کار کرده بود در سال ۱۹۷۵ منحل شد و به جای آن در سال ۱۹۹۳، شورای مشورتی جدیدی تشکیل یافت. در سال ۱۹۹۹ به فرمان پادشاه جدید بحرین مجلس شورا بار دیگر افتتاح گردید.

ریاست این کشور به عهده شیخ حمد بن عیسی آل خلیفه است که «پادشاه» نامیده می‌شود. اغلب امور دولتی در بحرین به دست آل خلیفه اداره می‌شود و باید گفت حکومت آل خلیفه در بحرین نسبت به حکومت‌های سنتی در منطقه خلیج فارس، حکومتی میانه‌رو شمرده می‌شود.

پرچم

پرچم بحرین به دو رنگ سفید (در سمت چپ) و قرمز (در سمت راست) می‌باشد که به صورت هشت دندانه داخل هم قرار گرفته است. پس از اعلام نظام پادشاهی، پرچم بحرین تغییر جزئی درخاشیه سفید داشته و علامت تاج پادشاهی در آن حک شده است.

۷. چگونگی شکل‌گیری اراده سیاسی

بحرین برای مدتی، تنها کشوری در جنوب خلیج فارس بود که مردم آن به مخالفت با استعمار پرداختند. جنبش‌هایی با اکثریت شیعه به منظور ممانعت از دخالت انگلیسی‌ها در امور حکومتی و اداری این کشور، شکل گرفته و اثر گذاشته است.

قدرت نفوذ انگلستان در سال ۱۹۲۳ با خلع شیخ عیسی از حکومت بحرین افزایش یافت و با ورود چارلز بلگریو (Belgreave) به عنوان رایزن انگلیسی حاکم جدید و چندی بعد با انتقال پایگاه دریایی انگلستان از «باسعیدو» به بحرین و انتقال نماینده سیاسی انگلستان در خلیج فارس از بوشهر به بحرین، این قدرت و نفوذ، ثبات و دامنه وسیع‌تری یافت. (مجتهدزاده، ۱۳۷۳، ص ۱۹۴ - ۱۹۶).

مقارن این تحولات، ایران خواستار اعاده حقوق حاکمیت خویش در این سرزمین شد و این در زمانی بود که سلطنت از قاجار به پهلوی منتقل شده و دولت توانسته بود به حکومت مرکزی در ایران واقعیت تازه‌ای ببخشد.

حکومت بحرین با رایزنی و همراهی مأموران انگلستان، برای مقابله با دعاوی ایران مصمم شد تا ساختار جمعیتی این شیخ‌نشین را با اکثریت دادن به اعراب دگرگون سازد. در این راستا، ورود کارگران و مهاجران از کشورهای عربی تشویق شد و هزاران فلسطینی و اعراب دیگر از کشورهای

دور و نزدیک به بحرین هجوم آوردند. این تحولات و به ویژه آمدن بلگریو، بروز حرکت‌های تازه‌ای را در مردم موجب شد و به اعتصاب عمومی انجامید.

پس از جنگ جهانی دوم، جنبش‌ها و برخوردهای سیاسی بار دیگر آغاز شد، ولی رهبران گروه‌های شیعه و سنی با تشکیل کمیته وحدت ملی از برخوردهای مذهبی جلوگیری کردند. در سال ۱۹۵۶، شیخ سلمان بن حمد آل خلیفه، حاکم بحرین، در نتیجه فشار انگلیسی‌ها به تغییر ساختار و شکل سیاسی حکومت بحرین پرداخت و یک مجمع مشورتی انتخابی تشکیل داد.

اخراج ژنرال گلوپ پاشا از اردن و هم‌زمان با آن، بحران کانال سوئز و حمله انگلستان به مصر، باعث تحریک احساسات ضد انگلیسی در بحرین شد. سفر وزیر امور خارجه انگلستان به بحرین، این احساسات را در تظاهرات وسیعی به نمایش گذاشت. از این رو، حاکم بحرین مجمع مشورتی انتخابی را که از جنبش حمایت قاطعی داشت، منحل کرد و اوضاع تحت کنترل درآمد.

از اواخر دهه پنجاه و اوایل دهه شصت میلادی، با افزایش مهاجران خارجی، وضع به تدریج متحول شد. این تحول به اعتقاد دکتر مجتهدزاده ناشی از نفوذ کمونیست‌ها و حامیان خارجی آنها در جنبش‌های ملی بحرین بود (پیشین).

بازتاب کمونیسم در پدیده‌های سیاسی جدید که فعالیت‌های مخفی و زیرزمینی داشت احساس می‌شد و در این میان تمایلات افراطی و چپ‌گرایی دنیای عرب، مانند بعثیسم، ناصریسم و ناسیونالیسم عرب، پیشرفت حرکت‌های زیرزمینی را تسهیل می‌کرد.

تأثیر نیروهای چپ‌گرا در حرکت‌های مردمی بحرین در اعتصاب سال ۱۹۷۲ معلمان مدارس، اعتصاب سال ۱۹۶۵ شرکت نفت بحرین و تشکیل جبهه نیروی پیشرو (جبهة القوة التقديمية) مشاهده شد. با این حال شیخ عیسی بن سلمان آل خلیفه - حاکم بحرین - با پشتیبانی عربستان سعودی و کویت بر اوضاع مسلط گردید.

پس از استقلال، دولت بحرین در سال ۱۹۷۲ با یک سلسله فعالیت‌های سیاسی روبه‌رو شد که هدف اصلی آنها اعتراض به حضور آمریکا در بحرین بود. نیروهای رزمی دریایی آمریکا سالیان طولانی از تسهیلات پایگاه منطقه الجفیر متعلق به انگلیسی‌ها استفاده می‌کردند. با خروج انگلستان از منطقه و موجودیت دولت جدید بحرین، دولت آمریکا خواهان توافقی رسمی برای تثبیت و گسترش استفاده از امکانات موجود بحرین گردید. از این رو در دسامبر ۱۹۷۱ قراردادی را در این خصوص به امضای دولت جدید بحرین رساند. همین مسئله عامل گسترش تبلیغات علیه حضور نظامی آمریکا در منطقه از سوی ناراضیان شد.

حمایت آمریکا از اسرائیل در جنگ اکتبر ۱۹۷۳، موج جدیدی از اعتراضات را علیه ادامه حضور آمریکا در منطقه به وجود آورد. خاتمه جنگ اعراب و اسرائیل، رفع تحریم نفتی اعراب علیه غرب و

عدم استفاده آمریکا از تسهیلات بندر الجفیر علیه اعراب، در مجموع باعث آرامش اوضاع شد و دولت بحرین ثبات بیشتری یافت.

در پرتو شرایط جدیدی که در پی توافق سال ۱۹۷۵ بین ایران و عراق و نیز نزدیکی تهران و ریاض در منطقه خلیج فارس پدید آمد، تفاهم عمومی را برای حفظ امنیت و ثبات در سراسر منطقه بیشتر ساخت و هم‌زمان با آن، با شکست شورش ظفار، موقعیت گروه‌های چپ‌گرا و رادیکال به ناپودی نزدیک شده و تحریکات و تلاش‌های عوامل کمونیست نیز به شدت محدود گشت. تغییر نظام سیاسی ایران در سال ۱۹۷۹ و جنگ ایران و عراق و سپس بحران جنگ عراق با نیروهای متحدین در قضیه کویت که همگی از مهم‌ترین حوادث تعیین کننده در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس به حساب می‌آید، جغرافیای سیاسی بحرین را با تغییر و تحول عمده‌ای روبه‌رو ساخت و دولت بحرین در دهه ۱۹۸۰ تغییری در متن مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی خود به وجود نیاورد.

جنبش‌های سیاسی سال ۱۹۹۵ - ۱۹۹۴ در این سرزمین پس از یک دوره نسبتاً آرام ده - پانزده ساله بروز کرد. نماد این جنبش‌ها هنگامی خودنمایی کرد که یک کمیته چهارده نفری از نخبگان جامعه بحرین در اکتبر سال ۱۹۹۴ محترمانه خواستار بازگشت به دوران دموکراسی پارلمانی شدند. هم‌زمانی این ناآرامی‌ها با سیزدهمین سالگرد رویدادی که سبب بازگشت، محاکمه و زندانی کردن جمعی به اتهام توطئه کودتا برای سرنگونی حکومت بحرین در روز ملی بحرین (۱۶ دسامبر) در سال ۱۹۸۱ شد، نشان‌دهنده آن است که ناآرامی‌های بحرین دنباله جنبش‌های سیاسی دامنه‌داری است که از اواخر قرن نوزدهم تاکنون هر از چند گاه به گونه‌ای خودنمایی کرده است.

احزاب و گروه‌های سیاسی

تا قبل از تحولات اخیر در بحرین هیچ حزب و دسته سیاسی اجازه فعالیت نداشت. تنها یک باشگاه فرهنگی با عنوان «نادی العروبه» در بحرین فعالیت‌های فرهنگی - فکری دارد که گردانندگان آن تحصیل کرده‌های ناسیونالیست عرب بوده و از متفکرین عرب جهت ایراد سخنرانی در این باشگاه دعوت می‌کنند. گروه دیگری نیز با عنوان «جمعیت الصلاح» در بحرین به فعالیت‌های مذهبی مشغول هستند و گردانندگان آن بیشتر روحانیون سنی می‌باشند که خط مشی و افکارشان به وهابیت و سلفی‌ها نزدیک است. ولی پس از روی کار آمدن شیخ حمد بن عیسی آل خلیفه اجازه تأسیس و فعالیت جمعیت اسلامی و ملی داده شده است. این جمعیت‌ها که معمولاً از نیروهای معارض دولت تشکیل شده اجازه فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی و تشکیل گروه‌هایی‌ها و میتینگ‌ها را بر اساس قوانین موجود دارند.

این دو مرکز فرهنگی در امور سیاسی مربوط به حکومت دخالتی ندارند و صرفاً به فعالیت‌های ناسیونالیستی و مذهبی مشغول هستند.

مهم‌ترین گروه‌های معارض دولت قبل از آغاز اصلاحات: جبهه آزادی‌بخش اسلامی بحرین

این جبهه شیعی مذهب در سال ۱۹۷۹ به رهبری شیخ عصفور و شیخ عسکری تشکیل گردید. اهداف اصلی این جبهه قطع ایادی بیگانه و اخراج کلیه کارگران و مستشاران خارجی بود. در بیانیه‌ای که در ۱۵ ژانویه ۱۹۸۰ از سوی این جبهه منتشر شد، جبهه آزادی‌بخش اسلامی بحرین با استقلال بحرین به عنوان یک کشور اسلامی موافقت کرد ولی حکومت آل خلیفه را به علت داشتن روابط نزدیک با رژیم پهلوی و سپس به دلیل اتخاذ مواضع مخالفت‌آمیز در قبال جمهوری اسلامی ایران و رهبران آن، مورد تقبیح قرار داد. در این بیانیه به برخی اقداماتی که از سوی مقامات بحرینی نسبت به حامیان انقلاب اسلامی ایران صورت گرفته بود، اشاره شده بود. به علاوه در این بیانیه مقامات بحرینی از این که به آمریکا اجازه استفاده از فرودگاه غیرنظامی بحرین به عنوان پایگاهی برای فعالیت‌های نظامی آمریکا داده بودند، مورد اتهام قرار گرفتند و از کلیه مسلمانان جهان درخواست شده بود که از مسلمانان بحرینی در منازعه علیه آمریکا و صهیونیسم حمایت کنند.

در ۱۳ دسامبر سال ۱۹۸۱، کودتایی که از سوی اعضای این جبهه علیه رژیم بحرین برنامه‌ریزی شده بود، خنثی شد و تعدادی از افراد آن دستگیر و تعدادی نیز تبعید شدند.

در ناآرامی‌های اخیر که از دسامبر ۱۹۹۴ آغاز شد، این جبهه با انجام مصاحبه‌ها و صدور بیانیه‌هایی بر خواسته‌های سیاسی - اجتماعی و اقتصادی مردم تأکید کرد.

دبیرکل این جبهه «شیخ محمد علی محفوظ» است که به استمرار قیام مردم تا موافقت دولت به برگزاری انتخابات پارلمانی، تأکید داشت. وی در اظهارات خود گفته بود که به وجود آمدن نظام پارلمانی در کشور و تحقق دموکراسی به معنای پایان حکومت آل خلیفه نیست.

اکنون اکثر قریب به اتفاق معارضین به کشور بازگشته و یا حق بازگشت به وطن را دریافت کرده‌اند.

جبهه آزادی‌بخش ملی بحرین

در اوایل دهه ۶۰ میلادی، جهت‌گیری‌های سیاسی مردم بحرین دست‌خوش دگرگونی‌هایی شد، و نفوذ اندیشه‌های ناصریسم و بعثی رفته‌رفته در جنبش‌های سیاسی بحرینی‌ها خودنمایی کرد. به این ترتیب تلاش‌های یک عنصر کمونیستی به تشکیل جبهه آزادی‌بخش ملی بحرین منجر شد.

شوروی سابق این جبهه را به رسمیت شناخت. اکنون مقر آن در دمشق است و از قدرت سیاسی چندانی برخوردار نیست.

جبهه نیروهای پیشرو (جبهه القوة التقدمیه)

در مارس ۱۹۶۵، در پی اعتصاب کارگران شرکت نفت بحرین که به سراسر این سرزمین گسترش یافت و از سوی دانش‌آموزان دبیرستانی به دلیل اخراج صدها تن از کارکنان شرکت نفت حمایت می‌شد، جبهه سیاسی تازه‌ای به نام «جبهه نیروهای پیشرو» با شرکت چند کمونیست و بعثیست سر برآورد. این جبهه درخواست‌های جنبش مردم بحرین را از حدود درخواست‌های مطرح شده در سال‌های ۱۹۵۶ - ۱۹۵۴ فراتر برد و موارد زیر را به آن افزود: لغو کلیه احکام اخراج، به رسمیت شناختن حق تأسیس اتحادیه‌های صنفی، حق تشکیل گردهمایی‌های سیاسی، آزادی زندانیان سیاسی و اخراج کلیه کارکنان انگلیسی و خارجی از شرکت نفت بحرین.

تظاهرات و اعتصابات این جبهه درهم شکسته شد و سران آن زندانی یا تبعید شدند.

جبهه نجات اسلامی بحرین

اعضای این جبهه در خارج از بحرین، از جمله در لندن و سوریه مستقر هستند. این جبهه بیشترین فعالیت را در ناآرامی‌های سال ۱۹۹۴ در بحرین داشت و با صدور بیانیه و مصاحبه‌ها سعی در استمرار این قیام عمومی داشت. محمود شایگان، یکی از اعضای ارشد این جبهه است که با اتخاذ مواضع شدید علیه دولت بحرین، خواستار برقراری نظام پارلمانی در کشور شد.

حزب کمونیست بحرین

تمامی رهبران این حزب در سوریه مستقر هستند. در جریان ناآرامی‌های سال ۱۹۹۴ در بحرین رهبران این حزب با صدور بیانیه‌هایی به حمایت از مردم پرداخته و خواست‌های مردم را تحقق آزادی و دموکراسی می‌خواندند. به علاوه این حزب با دخالت کشورهای دیگر در امور داخلی بحرین مخالفت نشان داده شده است.

حرکت دفاع از حقوق بشر بحرین

این جماعت که روشن‌فکران بحرینی آن را تشکیل می‌دهند، ساکن لندن می‌باشند و بیشتر به مسائل حقوق بشر، آزادی و دموکراسی در بحرین می‌پردازند. دبیرکل این تشکیلات «دکتر

عبدالمحمد» نام دارد. وی نیز خواستار بازگشایی مجلس در بحرین و مخالفت اداره حکومت به شیوه سنت‌گرایی است.

در آخر باید اضافه کرد که بیشتر این جمعیت‌ها پس از آغاز اصلاحات شیخ حمد بن عیسی آل خلیفه از فعالیت‌های سیاسی و مخالفت‌های علنی با حاکمیت دست برداشته‌اند و در واقع گروه‌های معارض به سمت یک آشتی ملی در حرکت هستند.

۸. سیستم انتخاباتی

سیستم حکومتی پادشاهی بحرین، موروثی است. «پادشاه» در این کشور حاکم مطلق شمرده می‌شود. ریاست حکومت در خاندان آل خلیفه نسل به نسل منتقل می‌شود.

بر اساس قانون اساسی جدید دو مجلس مجزا، یکی انتخابی و دارای چهل عضو با رأی مردم و دیگری انتصابی از سوی پادشاه با چهل عضو تشکیل خواهد شد. نخست‌وزیر توسط پادشاه و با مشورت شخصیت‌های ذی‌صلاح تعیین می‌گردد و وزرا از سوی نخست‌وزیر انتخاب شده و به فرمان پادشاه بحرین منصوب می‌شوند.

۹. اطلاعات فردی و اجتماعی مقامات مملکتی

پادشاه بحرین

پس از درگذشت شیخ عیسی بن سلمان آل خلیفه در اسفندماه ۱۳۷۷ به علت سکت قلبی، فرزندان شد وی شیخ حمد بن عیسی که ولیعهد این کشور بود روی کار آمد. شیخ حمد بن عیسی، در تاریخ ۱۹۵۰/۱/۲۸ در بحرین - الرفاع - متولد شده است. وی دارای سه همسر رسمی است که یکی از آنها دختر ولیعهد عربستان سعودی، یکی از آل خلیفه و دیگری انگلیسی است. شیخ حمد تحصیلات دوره دبیرستان را در مدرسه «لیز» در کمبریج سپری کرده و سپس دوره‌ای را در دانشکده نظامی «مونز» گذرانده و در سال ۱۹۶۸ (در سن هجده سالگی) به بحرین بازگشته است. او در ژوئیه ۱۹۷۱ به دانشکده مدیریت نظامی فورت لیفینورن (کانزاس در آمریکا) ملحق شده و گواهی افتخاری نظامی این دانشکده را در سال ۱۹۷۲ اخذ نمود. وی به زبان‌های انگلیسی و فرانسه تسلط دارد. (سیف افجه‌ای، پیشین، ص ۱۶۸).

جنگ‌های کشور

کشور بحرین از دیرباز به دلیل موقعیت جغرافیایی و استراتژیکی، قرار گرفتن در آب‌های خلیج فارس، داشتن ثروت سرشار مروارید و بالاخره ثروت نفت، مورد رقابت و تهاجم بیگانگان قرار داشته

است. در واقع باید گفت از زمان ساسانیان، یعنی زمانی که بحرین جزء قلمرو ایران بوده، دست‌اندازی اعراب به این خطه آغاز شده است. در زمانی با شورش خوارج که از سوی امیران دیلمی رهبری می‌شد، بحرین مدتی جزء قلمرو دیلمیان درآمد. پس از آن «زنگیان» (پیروان صاحب زنگ) در بحرین سر به شورش نهادند و در پی آنان «قرمطیان» روی کار آمدند. به دنبال افول ستاره اقبال «قرمطیان»، «عیونیان» بر بحرین چیره شدند که تا سال ۱۳۳۸ میلادی دوام یافتند و در آن سال جای خود را به «عصافیر» دادند. (مجتهدزاده، ش ۷۲ - ۷۱، ۱۳۷۲).

حکومت عصافیر ۱۵۰ سال به طول انجامید و پس از آن حکومت «جیور» قدرت را به دست گرفت که در سال ۱۵۲۲ میلادی از سوی نیروهای کشور پرتغال سرنگون شد. در سال ۱۶۰۲، در روزگار صفویان، ایرانیان، پرتغالی‌ها را از بحرین بیرون راندند و در آن سال بود که بحرین پس از گذشت نه قرن، بار دیگر ضمیمه قلمرو ایران شد و نزدیک به دو قرن تحت حاکمیت مستقیم ایران بود. در این دوره بحرین توسط حکومت «زباره» که در اواخر دوران صفوی به صورت اسمی از ایران تابعیت داشت ولی حکومتی خودسر بود، اداره می‌شد.

از این رو نادرشاه افشار در سال ۱۷۳۷ توسط لطفعلی خان به سرکوبی «زباره» پرداخت و از آن تاریخ بحرین به طور مستقیم ضمیمه حکومت فارس شد. هنگامی که تیره آل خلیفه به یاری آل جلاهمه در سال ۱۷۶۵ به زباره وارد شدند، تاریخ سیاسی بحرین دوران تازه‌ای را آغاز کرد. بحرین در سال ۱۷۸۳ هنگام اقتدار کریم‌خان زند در فارس، به دست آل خلیفه افتاد. (پیشین). از همان زمان آل خلیفه دچار هجوم نیروهای گوناگون شد. وهابیان، مسقطیان، ترکان عثمانی و سرانجام انگلیسی‌ها، هریک چند نوبت کوشیدند تا بحرین را اشغال کنند. از این رو در سال ۱۸۶۱ بحرین زیر نظر انگلیسی‌ها قرار گرفت. پس از استقلال این کشور در سال ۱۹۷۱ جنگی در بحرین صورت نگرفته است. با این حال بحرین با سه بار بحران بر سر جزایر مورد اختلاف با قطر (جزایر حواری) روبه‌رو شده است. نخستین بحران در مارس ۱۹۸۲ روی داد و آن هنگامی بود که بحرین یک ناو جنگی خود را «حواری» نامید. بحران دوم در آوریل ۱۹۸۶ در مورد جزیره فشت الدبیل (پایاب دیبال) روی داد. بحران زمانی آغاز شد که بحرین عملیات اکتشاف نفت در فشت الدبیل را به یک شرکت هلندی واگذار کرد. این اقدام خشم قطر را برانگیخت. در نتیجه، نیروهای نظامی قطر در آوریل ۱۹۸۶ با چهار فروند هلی‌کوپتر به فشت الدبیل حمله کردند و پاسگاه گارد ساحلی بحرین را به تصرف خود درآوردند بحران سوم در آوریل ۱۹۹۲، زمانی که قطر عرض دریای سرزمینی خود را افزایش داد، به وقوع پیوست. حکومت بحرین با بروز چنین بحران‌هایی و با وقوع جنگ خلیج فارس و ترس از گسترش آن، به تقویت نیروها و تجهیزات نظامی خود پرداخته است. (سیف افجه‌ای، پیشین، ص ۱۷۹).

روابط با جمهوری اسلامی ایران

جا داشت از مبانی و اصول سیاست خارجی بحرین و روابط این کشور با دولت‌های خارجی به ویژه کشورهای منطقه خلیج فارس سخن می‌گفتیم، اما به خاطر طولانی نشدن این نوشتار ناچاریم به اشاره به آن بسنده کرده و سپس روابط بحرین با جمهوری اسلامی با بسط بیشتر مطرح گردد.

شیخ محمد بن مبارک آل خلیفه وزیر امور خارجه بحرین در بیست و نهمین اجلاس عمومی سازمان ملل در ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۴ نطقی ایراد کرد و سیاست خارجی بحرین را بر اساس همکاری‌های بین‌المللی، حل مسالمت‌آمیز اختلافات و رعایت اصل احترام متقابل و عدم مداخله در امور داخلی کشورها و وفاداری به منشور سازمان ملل متحد برشمرد. بحرین با موقعیت منطقه‌ای خود توانسته در سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی عضو شود و به خاطر قربات خانوادگی، با برخی از همسایگانش، مانند کویت و عربستان، روابط حسنه بیشتری داشته باشد. این در حالی است که اختلافات میان بحرین و قطر در موضوع ادعای حاکمیت بر برخی از مناطق تقریباً یک قرن ادامه داشت. بحرین سعی کرد با کشورهای عربی روابط خوبی داشته باشد و متأسفانه با رژیم صهیونیستی نیز روابط آشکار دارد. روابط بحرین با کشورهای اروپایی و آسیایی در حال رشد است.

الف) گذشته تاریخی

منشأ تعلق مجمع‌الجزایر بحرین به ایران، به روزگاران دور بازمی‌گردد. از دوره هخامنشیان، خلیج فارس جزء قلمرو ایران به شمار می‌آمد که شامل بحرین نیز می‌شد. این امر در دوران پارت‌ها و تا اواخر سلسله ساسانیان ادامه داشت.

از زمان پیدایش خلافت امویان و عباسیان، پیروگی خلافت عربی بر منطقه از جمله در بحرین آغاز شد. خوارج، دیلمیان، زنگیان، قومطیان، عیونیان، حکومت عسافیر، حکومت جبور و بالاخره پرتغالی‌ها از آن زمان تا سال ۱۶۰۲ میلادی، یعنی در روزگار صفویان که نیروهای ایرانی موفق شدند پرتغالی‌ها را از بحرین بیرون برانند، به ترتیب بر بحرین حکومت کردند. از این رو در سال ۱۶۰۲، پس از گذشت نه قرن، بار دیگر بحرین ضمیمه قلمرو ایران شد و نزدیک به دو قرن تحت حاکمیت ایران زیست. (مجتهدزاده، پیشین).

در سال ۱۷۶۵، آل خلیفه به یاری «آل جلاهمه» وارد زیاره^۱ شد و دیری نگذشت که به بحرین که در آن هنگام تحت نظارت بوشهر بود، حمله کرده و این جزیره را تصرف نمود. حاکم شکست خورده بحرین درصدد کمک گرفتن از بوشهر و حکومت مرکزی ایران بود که کریم خان زند

۱- واقع در شمال باختری شبه جزیره قطر.

درگذشت و کار بحرین نیمه تمام ماند. به این ترتیب، بحرین در سال ۱۷۸۳ بار دیگر از حاکمیت ایران خارج شد.

در سال ۱۸۶۰ انگلیسی‌ها می‌کوشیدند تا بر بحرین مسلط شوند، شیخ محمد، حاکم بحرین از دولت ایران تقاضای یاری نظامی کرد ولی ایران قدرت آن را نیافت که از بحرین در برابر انگلیسی‌ها حمایت کند؛ در نتیجه، حکومت انگلستان بر بحرین چیره شد و سرهنگ لوئیس پلی در مه ۱۸۶۱ قرارداد دیگری با حکام آل خلیفه در بحرین امضا کرد که به سبب آن بحرین به جمع تحت الحمایگان انگلستان در خلیج فارس پیوست. تحت الحمایگی بحرین با امضای قراردادهای دیگری در سال ۱۸۸۰ و ۱۸۹۲ کامل شد و به این ترتیب بحرین که در سال ۱۷۸۳ عملاً از ایران جدا شده بود ولی اسماً در تابعیت ایران قرار داشت، بین سال‌های ۱۸۶۹ و ۱۸۸۰ عملاً و اسماً از ایران جدا شد. لازم به ذکر است که این سال‌ها با ناهنجارترین شرایط سیاسی زمان، در حکومت مرکزی ایران

مصادف بود. دولت قاجار با امضای قراردادهای گلستان و ترکمنچای در قرن نوزدهم، استان‌های مهمی را در شمال کشور و با امضای قرارداد ۱۸۵۷ پاریس، سرزمین هرات و ایالات وابسته به آن را در شرق و اندکی بعد در دهه ۱۸۷۰ - ۱۸۶۰، قندهار و سرزمین‌های کلات و بلوچستان خاوری را از دست داد. هم‌زمان با تجزیه بحرین و کمی پس از آن، شوروی قسمت‌های وسیعی از خراسان شمالی را از ایران جدا ساخت. (آهنی امینه، ۱۳۷۴، ص ۸).

جداسازی بحرین از ایران در قرن نوزدهم، به کنترل انگلستان بر گمرکات و انحصار تجارت و استقرار پایگاه‌ها و سربازخانه‌های انگلستان در بحرین منجر شد.

در اواخر قرن نوزدهم تا نیمه اول قرن بیستم، ایران ادعای حاکمیت خود بر بحرین را همواره مطرح می‌کرد و این ادعا در زمان حکومت رضاشاه قوت بیشتری گرفت، به طوری که ایران در سال ۱۹۲۷ به دنبال معاهده بین انگلستان و ابن سعود پادشاه حجاز مبنی بر حمایت پادشاه حجاز از شیخ بحرین، کویت و شیوخ سواحل دریای عمان، به جامعه ملل شکایت می‌کند. چمبرلین وزیر امور خارجه وقت انگلستان در پاسخ به شکایت ایران، بحرین را از نظر جغرافیایی و نژادی جدای از ایران می‌خواند. این امر سبب می‌شود تا ایران در سال ۱۹۲۸ بار دیگر به جامعه ملل اطلاع دهد که هم‌چنان بر اعتراض خود باقی است و طی نامه‌ای به سفارت انگلستان در تهران دلایل اثبات ارتباط جغرافیایی و نژادی ایران با بحرین را پاسخ می‌دهد؛ ولی از آن‌جا که دولت انگلستان در آن دوران قدرت مسلط بر جامعه ملل بود، ضمن جلوگیری از طرح مسئله در جامعه ملل، دست به یک رشته اقدامات عملی می‌زند تا دلایل ایران مبنی بر حاکمیت بر بحرین را به لحاظ حقوقی و تاریخی بی‌اعتبار سازد. (عراقچی، به نقل از: سیف افجه‌ای، پیشین، ص ۲۰۱).

در همین راستا، محمدرضا پهلوی در دیدار خود از هند (۱۹۶۸) در مصاحبه‌ای گفت: «ما نمی‌توانیم بپذیریم جزیره‌ای که توسط انگلیسی‌ها از کشور ما جدا شده، توسط ایشان ولی به حساب ما به دیگران داده شود. به علاوه، ایران هرگز برای به دست آوردن اراضی و امتیازات ارضی به‌رغم تمایلات مردم آن سامان، به زور متوسل نمی‌شود. اگر مردم بحرین مایل نباشند که به کشور ما ملحق شوند، هرگز به زور متوسل نخواهیم شد... هرکاری که بتواند ارادهٔ مردم بحرین را به نحوی که نزد همهٔ جهان به رسمیت شناخته شود، نشان دهد، خوب است.» (کامران مقدم، پیشین، ص ۱۱).

ایران سعی می‌کرد سرنوشت بحرین از راه یک همه‌پرسی راستین تعیین گردد، در حالی که انگلستان با این نظر به شدت مخالف بود و حکومت بحرین نیز به هیچ‌وجه حاضر نبود چنین رفراندومی را بپذیرد. دلیل این مخالفت آن بود که حکومت آل خلیفه مفهوم حقوقی برگزاری چنین رفراندومی را برابر با نفی سلطهٔ ۱۵۰سالهٔ خود بر بحرین می‌دانست.

سرانجام ایران و انگلستان توافق کردند که به جای رفراندوم، از سازمان ملل متحد خواسته شود که از راه یک نظرخواهی عمومی^۱ در بحرین، سرنوشت سیاسی آن سرزمین تعیین گردد.

حکومت بحرین با رایزنی و همراهی مأموران انگلستان برای مقابله با دعاوی ایران مصمم شد تا ساختار جمعیتی این شیخ‌نشین را با اکثریت دادن به عرب‌ها دگرگون سازد. در این راستا، ورود کارگران و مهاجران عربی تشویق شد و هزاران فلسطینی و اعراب دیگر از دور و نزدیک به بحرین هجوم آوردند.

کار نظرخواهی از روز ۳۰ مارس ۱۹۷۰ در بحرین توسط گیچاردی (مدیر دفتر سازمان ملل در ژنو) که از سوی اوتانت (دبیرکل وقت سازمان ملل) مأمور انجام این کار شده بود، آغاز گردید.

در گزارش گیچاردی که به دبیرکل سازمان ملل تسلیم شد، آمده بود: «اکثریت مردم بحرین خواهان آن هستند که سرزمین آنان رسماً به عنوان کشوری با حاکمیتی کامل و با آزادی تعیین روابط با ملل دیگر شناخته شود.»

با اعطای این گزارش، شورای امنیت قطع‌نامهٔ ۲۷۸ مورخ ۱۱ مه ۱۹۷۰ را که خواستهٔ مردم بحرین را تأیید می‌کرد، صادر نمود. این قطع‌نامه به دولت‌های ایران و انگلستان ابلاغ شد و دولت ایران نتیجه این کار و قطع‌نامه شورای امنیت سازمان ملل متحد را به مجلسین شورا و سنا گزارش داد. به دنبال آن، ایران و بحرین در سال ۱۹۷۱ مرزهای دریایی میان خود را تعیین و تصویب کردند.

۳- مقصود از نظرخواهی عمومی، سؤال کردن از چند نفر و انعکاس آن به سازمان ملل بود نه یک رفراندوم واقعی.

روابط ایران و بحرین قبل از انقلاب اسلامی

پس از قبول استقلال بحرین از سوی ایران فصل جدیدی در روابط این دو کشور گشوده شد. در همان زمان (۱۳۴۰ شمسی) یک هیئت حسن نیت از جانب ایران و به سرپرستی منوچهر ظلی، معاون وزارت امور خارجه رژیم وقت، رهسپار بحرین شد. پس از بازگشت این هیئت، روابط ایران و بحرین به سرعت گسترش یافت.

شیخ خلیفه بن سلمان برادر امیر بحرین و رئیس شورای دولتی (نخست‌وزیر فعلی بحرین) بنا به دعوت وزیر خارجهٔ ایران (زاهدی) در تاریخ ۴۹/۵/۲۳ به تهران سفر کرد که یکی از اهداف این سفر، فراهم نمودن مقدمات سفر امیر بحرین بود.

متعاقباً امیر بحرین در تاریخ ۴۹/۸/۲۸ به صورت رسمی از تهران دیدار کرد.

در سوم تیرماه ۱۳۵۰، وزیر امور خارجهٔ ایران (زاهدی)، بنا به دعوتی که قبلاً از سوی امیر بحرین از وی به عمل آمده بود، در رأس هیئتی به بحرین سفر نمود. این سفر در شکل‌گیری مناسبات آینده دو کشور بسیار مؤثر بود.

در تاریخ ۲۴ مرداد ۱۳۵۰، به دنبال مبادلهٔ یادداشت پایان اعتبار پیمان‌های ۱۸۸۲ و ۱۸۹۲ بین بحرین و انگلستان و اعلام استقلال بحرین، دولت ایران در زمرهٔ نخستین کشورهایی بود که استقلال بحرین را به رسمیت شناخت. در شهریور ۱۳۵۰ برابر با ۲۹ اوت ۱۹۷۱، اعلامیهٔ برقراری روابط سیاسی بین دو کشور در سطح سفارت در تهران و منامه انتشار یافت. در همان سال امیر بحرین به منظور شرکت در مراسم جشن دو هزار و پانصد ساله، برای دومین بار از ایران دیدن کرد.

از هنگام سفر هیئت حسن نیت ایران به بحرین (در سال ۱۳۴۹) گام‌های مؤثری در جهت گسترش و تحکیم مناسبات بین دو کشور برداشته شد، که می‌توان مهم‌ترین اقدامات را به شرح زیر نام برد:

- گشایش سفارت ایران در منامه در سال ۱۳۵۰ و تسلیم استوارنامهٔ منوچهر سپهبدی به عنوان اولین سفیر ایران در منامه به امیر بحرین؛
- تأسیس سفارت بحرین در تهران در سال ۱۳۵۱ و انتصاب عبدالرحمن بوعلی به عنوان اولین سفیر بحرین در تهران؛
- افتتاح شعبهٔ بانک ملی ایران در منامه؛
- ایجاد خط هوایی بین ایران و بحرین که نخستین پرواز آن در تاریخ ۴۹/۸/۲۵ (۱۶ دسامبر ۱۹۷۰) انجام گرفت؛
- تعیین حدود فلات قارهٔ ایران و بحرین و عقد موافقت‌نامه در این باره؛
- ایجاد خط کشتیرانی و توسعهٔ مبادلات حمل و نقل دریایی؛

- اعطای بورسیه به تعدادی از دانشجویان بحرینی جهت تحصیل در دانشگاه‌های ایران؛
- انجام مذاکرات در مورد تعیین وضعیت اتباع ایرانی مقیم بحرین.

در خلال این مدت روابط این دو کشور بسیار نزدیک و دوستانه شد، به طوری که در جریان بازدید ناو دریایی ایران از بحرین در اردیبهشت ۱۳۵۳ که با مراسم جشن ازدواج شیخ راشد فرزند دوم امیر بحرین مقارن شده بود، از فرمانده و افسران ناو به منظور شرکت در مراسم مذکور دعوت به عمل آمده و آنان با استقبال گرم ولیعهد بحرین روبه‌رو شدند.

روابط ایران و بحرین پس از انقلاب اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تأثیر انقلاب اسلامی بر مردم مسلمان بحرین بسیار مشهود بوده است. روزهای اول پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، مردم مسلمان بحرین به منظور پشتیبانی و هم‌بستگی با انقلاب اسلامی دست به تظاهرات زدند که موجب ترس و هراس دولت بحرین شد. مقامات بحرینی باطناً از سرنگونی رژیم پهلوی نگران بودند، زیرا رژیم سابق را تا حدودی حامی خود می‌دانستند و صرفاً از غرور و تکبر شاه مخلوع به بدی یاد می‌کردند. وزیر امور خارجه بحرین در اوج مبارزات مردم ایران علیه ظلم و ستم پهلوی اظهار نمود که مسائل ایران مربوط به مردم این کشور است و ما علاقه نداریم دربارهٔ امور داخلی همسایهٔ خود اظهارنظر کنیم. با این حال، نخست‌وزیر بحرین طی مصاحبه‌ای به طور ضمنی از رژیم پهلوی حمایت کرد و گفت ایران بزرگ‌ترین عامل ضد کمونیسم در منطقه است.

به هنگام پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مقامات بحرینی از آن استقبال کردند و مطبوعات به تجلیل از رهبری آن پرداختند.

در همان روزهای اول پس از پیروزی انقلاب اسلامی (۱۹۷۹) اظهارنظر یکی از شخصیت‌های غیررسمی ایران در مورد این که بحرین باید دوباره ضمیمهٔ ایران شود، سبب شد که با وجود تکذیب دولت جمهوری اسلامی ایران، روابط ایران و بحرین به سردی گرائیده و نسبت به ایرانیان مقیم بحرین و ورود ایرانیان به این کشور سخت‌گیری بیشتری صورت گیرد.

روز ۱۳ دسامبر ۱۹۸۱، مقامات بحرینی اعلام کردند که نیروی امنیتی این کشور موفق شده‌اند کودتایی را که برای سرنگونی حکومت بحرین برنامه‌ریزی شده بود، خنثی کنند. ادعا شد که گروه دستگیرشده عضو «جبههٔ آزادی‌بخش بحرین» بوده‌اند و این جنبش شیعی‌مذهب در تهران متمرکز می‌باشد. ریشه‌های این ادعای بی‌اساس را باید در عوامل متعددی جست‌وجو کرد. نگرانی‌های دولت بحرین از ادعاهای تاریخی ایران، ترکیب ناهمگون جمعیت، اکثریت شیعه و درصد قابل توجه ایرانیان، به طور قطع در این مورد بی‌تأثیر نبوده است.

وزارت امور خارجهٔ بحرین روز ۱۳ دسامبر ۱۹۸۱ اعتراض‌نامه‌ای رسمی تسلیم کاردار سفارت ایران در منامه نمود. وزارت امور خارجهٔ ایران بلافاصله هرگونه ارتباط با موضوع مذکور را تکذیب کرد و رسانه‌های گروهی ایران نسبت دادن این اتهام به ایران را، خدشه‌دار کردن نام انقلاب اسلامی ایران توصیف کردند. به دنبال این امر، مناسبات دو کشور دچار تزلزل بیشتری شد.

واکنش نسبت به جنگ تحمیلی

با بروز جنگ تحمیلی و تجاوز عراق به خاک جمهوری اسلامی ایران، بحرین به طور رسمی بی‌طرفی خود را اعلام کرد ولی در عمل موضع‌گیری مثبت آن کشور و سایر کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس نسبت به عراق آشکار بود.

مطبوعات آن کشور به شدت از موضع عراق علیه جمهوری اسلامی ایران پشتیبانی و دستگاه تبلیغاتی آن کشور و سایر کشورهای منطقه در جهت حمایت از عراق فعالیت می‌کردند. با این حال در اظهارات رسمی، مقامات بحرینی از ادامهٔ جنگ ابراز نگرانی کرده و از دو کشور مسلمان می‌خواستند که به جنگ خاتمه دهند.

از طرفی بروز جنگ تحمیلی بهانه‌ای شد برای آن که وزرای امور خارجهٔ شش کشور حاشیهٔ جنوبی خلیج فارس در اجلاس ریاض، تشکیل شورای همکاری خلیج فارس را اعلام کنند (فوریهٔ ۱۹۸۱). از زمان تشکیل این شورا تا پایان جنگ تحمیلی، کشورهای عضو آن، از جمله بحرین، در عمل از عراق جانب‌داری کردند.

اما تلاش جمهوری اسلامی ایران همواره در جهت جلوگیری از گسترش جنگ تحمیلی در منطقه بود و از این رو سعی می‌کرد تا مناسبات سیاسی خود را بر اساس حسن هم‌جواری و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز با این کشورها استوار کند. به همین دلیل در مقاطع زمانی مختلف به اعزام هیئت‌های سیاسی به کشورهای منطقه از جمله امارات، قطر و بحرین دست زد. این سفرها و اجرای مذاکرات دوجانبه با مقامات آن کشورها تا حدی از شدت تیرگی روابط کاست و گاهی نیز در جهت تحکیم و تقویت این روابط گام برداشته شد. مقامات بحرینی در عین ابراز تمایل برای بهبود روابط، همواره جانب احتیاط را در پیش می‌گرفتند. البته نباید تأثیر سیاست‌های برخی از کشورهای منطقه و خارج از منطقه بر آن کشور را از نظر دور داشت.

روابط ایران و بحرین از پایان جنگ تحمیلی تا پس از اشغال کویت توسط عراق

پس از پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ از سوی جمهوری اسلامی ایران و ایجاد آتش‌بس در جبهه‌های جنگ ایران و عراق، وضعیت روابط میان دو کشور ایران و بحرین دچار تحول گردید. روابط سیاسی ایران با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس از جمله بحرین، رو به بهبودی نهاد و در جهت

گسترش روابط سیاسی و اقتصادی گام‌های مثبتی برداشته شد؛ با این حال، همواره این بهبود روابط، حالتی ناپایدار و سست داشت.

پس از ملاقات‌های مختلف میان مسئولین دو کشور، در تاریخ ۱۳۶۹/۱۰/۱۸ روابط دو کشور به سطح سفیر ارتقا یافت و اولین سفیر جمهوری اسلامی ایران، استوارنامه خود را به ولیعهد و جانشین امیر بحرین تقدیم کرد. از این رو در خلال سال ۱۳۶۹ روابط دو کشور قدری جدی‌تر و با اقدامات عملی توأم گردید. در این سال می‌توان به سفر قائم‌مقام وزارت امور خارجه جهت تسلیم پیام ریاست جمهور محترم کشورمان به امیر بحرین در تاریخ ۱۳۶۹/۲/۸ اشاره کرد. هم‌چنین جناب آقای ولایتی دو بار در تاریخ‌های ۱۳۶۹/۲/۸ و ۱۳۶۹/۹/۲۶ به بحرین سفر کرد و وزیر امور خارجه بحرین (شیخ محمد بن مبارک) در تاریخ ۱۳۶۹/۸/۹ از ایران دیدن نمود. با پایان جنگ خلیج فارس در اواخر ۱۳۶۹ و شکست عراق و مشخص شدن ماهیت توسعه‌طلب این رژیم، مجموعه کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس به گسترش روابط خود با ایران پرداختند. در این راستا، بهبود روابط ایران و بحرین نتایج ذیل را به دنبال داشت:

- تبعیدیان، طلاب و علمای شیعه بحرینی که در قم مشغول به تحصیل بودند، امکان مراجعت به کشورشان را یافتند؛
- سالانه بین ۲۰ تا ۲۵ هزار نفر از اتباع این کشور فرصت دیدار از جمهوری اسلامی ایران را پیدا کردند؛
- مساجد و حسینیه‌های شیعیان زمینه‌های فعالیت بیشتری پیدا کردند؛
- ممنوعیت و محدودیت کتاب‌های شیعیان کمتر شد و ناشرین ایرانی امکان مشارکت در نمایشگاه بین‌المللی بحرین یافتند؛
- علما و روحانیون قادر به برگزاری اجتماعات و سخنرانی‌های سیاسی، حتی در جانب‌داری از جمهوری اسلامی ایران شدند.

روابط ایران و بحرین از سال ۱۳۷۰ به بعد

در فروردین ۱۳۷۰، یعنی حدود دو ماه پس از تسلیم استوارنامه سفیر جمهوری اسلامی ایران به ولیعهد و جانشین امیر بحرین، سفیر بحرین وارد تهران شد.

از سفرهایی که در سال ۱۳۷۰ صورت گرفت می‌توان به سفر وزیر امور خارجه ایران در تاریخ ۱۳۷۰/۳/۱۲ و ابلاغ پیام ریاست‌جمهور محترم کشورمان به امیر بحرین و ملاقات با وزیر امور خارجه بحرین، سفر وزیر نفت و معاون وزارت بازرگانی کشورمان، استاندار فارس، ریاست صدا و سیما، معاون وزیر معادن و فلزات به بحرین و سفر وزیر بازرگانی و کشاورزی بحرین، سفر هیئت اقتصادی

وزارت بازرگانی، معاون وزارت بازرگانی و کشاورزی، وزیر کار و امور اجتماعی و وزیر توسعه و صنعت بحرین به ایران اشاره کرد. در این سال پنج یادداشت تفاهم در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی بین دو کشور امضا شد.

در سال ۱۳۷۱ تحرکات سیاسی - اقتصادی میان طرفین ادامه یافت و اقداماتی جهت گسترش این روابط صورت گرفت.

در سال ۱۳۷۸ با روی کار آمدن پادشاه بحرین، روند بهبود روابط و توسعه همکاری‌ها وضعیت بهتری پیدا کرده و آهنگ سریع‌تری به خود گرفت.

شیخ حمد بن عیسی امیر جدید بحرین در تاریخ ۱۳۷۸/۲/۸ طی یک مصاحبه اختصاصی و مطبوعاتی درباره روابط دو کشور گفت: «... ما راه دیگری جز ایجاد روابط با ایران نداریم و من معتقدم که ما از قدیم با ایران در این جهت برادر بوده‌ایم و آرزو داریم که انشاء... به سمت روابط بهتر حرکت کنیم و برای جناب آقای خاتمی آرزوی موفقیت دارم...».

در اردیبهشت ماه همین سال، انجام دیدار وزیر خارجه بحرین از ایران که پس از نه سال صورت گرفت، روابط دو کشور را وارد مرحله جدیدی کرد که نقطه عطف آن تشکیل اولین نشست کمیسیون مشترک اقتصادی و هم‌چنین کمیته مشترک سیاسی بین دو کشور بود.

به دنبال این سفر تحولات مثبتی در مناسبات دو کشور ایجاد شد، از جمله ملاقات شیخ سلمان بن حمد ولیعهد بحرین با جناب آقای خاتمی در جریان سفر منطقه‌ای ایشان که این سفر مورد توجه مقامات بحرینی قرار گرفت به طوری که پس از اتمام سفر جناب آقای خاتمی، شیخ حمد در یک گفت‌وگوی تلفنی با وی، ضمن تشکر از توجه ایشان نسبت به بحرین با دعوت مجدد از ریاست محترم جمهوری، خواستار استمرار تماس‌های تلفنی میان طرفین شد.

در سال ۱۳۷۹ ادامه روند سیاست تنش‌زدایی و اعتمادسازی، نتایج عملی خود را در روابط با کشورهای منطقه به ویژه با بحرین شکوفا ساخت.

اقدامات اصلاح‌گرایانه امیر جدید بحرین، انگیزه توسعه روابط و همکاری‌ها را شدت بخشید.

تشکیل اولین اجلاس کمیته مشترک سیاسی و دومین اجلاس کمیسیون مشترک اقتصادی با اتخاذ تصمیم به از سرگیری فعالیت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران به بنادر بحرین و امضای یادداشت تفاهم همکاری در زمینه‌های مختلف اقتصادی، حضور بحرینی‌ها در نمایشگاه بین‌المللی تهران و دیگر مناسبات علمی و فرهنگی کشورمان و افزایش ۱۱۱ درصدی حجم مبادلات بازرگانی دو کشور، سال ۱۳۷۹ را به عنوان سرفصل شروع و بسط علمی روابط دوجانبه ایران و بحرین قرار داد. (سیف افجه‌ای، پیشین، ص ۲۱۳).

منابع و مأخذ

۱. آهني امينه، محمد، سیر روابط سیاسی ایران با امیرنشین بحرین، ادارهٔ دوم خلیج فارس، تهران، ۱۳۷۴.
۲. سیف افجه‌ای، معصومه، بحرین (مباحث کشورها و سازمان‌های بین‌المللی/۷۹)، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۱.
۳. کامران مقدم، شهین دخت، تاریخ کشورهای همجوار ایران، دانشگاه تربیت معلم، تهران، ج ۲، مهرماه ۱۳۵۶.
۴. مجتهدزاده، پیروز، جنبش‌های سیاسی بحرین و ابعاد منطقه‌ای آن، تهران، ۱۳۷۴.
۵. _____، کشورها و مرزها در منطقهٔ ژئوپلیتیک خلیج فارس، ترجمه: حمیدرضا ملک محمدی نوری، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۳.
۶. _____، نگاهی به یک مثلث ژئوپلیتیک در خلیج فارس، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال هفتم، شماره ۷۲-۷۱.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی